

IRANA ESPERANTISTO

IREA
Irana Esperanto-Asocio

سپڙندڻشان

پاڻڀ

Kultura sezon-revuo en Esperanto, la persa, la araba kaj la kurda

N-ro: 53, Dua Serio, Printempo 2025

فصلنامه ی فرهنگی چندزبانه اسپرانتو، فارسی، کردی و عربی

شماره ۵۳، دوره دوم، بهار ۱۴۰۴





Pajam-e Sabzandiŝan
(Mesaĝo de Verd-ideanoj)
ISSN 1728-6174

IRANA ESPERANTISTO
Kultura kaj sendependa sezon-revuo internacia
Dua serio, N-ro 54, Somero 2025

Bonvenas eseoj, artikoloj, raportoj kaj kontribuaj kondiĉe ke ili ne estu publikigitaj antaŭe. Bonvenas kultur-temaj kontribuaj kondiĉe ke ili en Esperanto ĉu en la persa, la kurda, aŭ la araba.

Ĉia presa aŭ elektronika citado aŭ eldonado de materialoj de IRANA ESPERANTISTO, ĉu originale ĉu tradukite en aliajn lingvojn, estas permesata. Bonvole menciui pri la fonto kaj la originala lingvo (t.e. Esperanto aŭ la persa) kaj se eble, informu nin pri eldonaĵo en kiu aperis io de aŭ pri IRANA ESPERANTISTO aŭ/kaj sendu ciferecan kopion al ni: info@espero.ir.

به نام خداوند جان و خرد



فصلنامه‌ی پژوهشی - فرهنگی چندزبانه‌ی اسپرانتو، فارسی، کردی و عربی

دوره دوم، شماره پنجاه و چهارم، تابستان ۱۴۰۴
شماره استاندارد بین‌المللی (ISSN):
۱۷۲۸-۶۱۷۴
تاریخ انتشار نخستین شماره: پاییز ۱۳۸۱

نقل مطالب مجله با ذکر منبع و مآخذ جایز است و از استفاده کنندگان درخواست می‌شود یک نسخه الکترونیکی یا تصویر از نشریه‌ای را که در آن مطلبی به نقل از این مجله درج شده است به نشانی اینترنتی مجله ارسال کنند.

مسئولیت مطالب مندرج در این مجله برعهده‌ی نویسندگان آن می‌باشد.

گرافیک و حروفچینی: سبزاندیشان

نشانی‌ها:

پایگاه اینترنتی: www.espero.ir
پست الکترونیک: info@espero.ir

Plejofte uzataj mallongigoj

AOK: Azia Oceania Kongreso
ILEK: Irana Literatura Esperanto Konkurso
IrEA: Irana Esperanto-Asocio
IrEJO: Irana Esperantista Junulara Organizo
IrEK: Irana Esperanto-Kongreso
IrLEI: Irana Ligo de Esperantistaj Instruistoj
KAOEM: Komisiono pri Azia-Oceania Esperanto Movado
MONA: Mez_Orienta kaj Nord-Afrika Esperanto-Kunveno
UEA: Universala Esperanto Asocio
UK: Universala Kongreso
UN: Unuiĝintaj Nacioj
VK: Virtuala Kongreso

Kontribuantoj:

Shler Karimi * Keyhan Sayadpour * Hamzeh Shafiee *
Mahmoud Lotfalikhani * Elham Rahmani * Nazi Solat *
Arash Abedini * Roland Platteau * Zahra Noubakhti

Reviziantoj:

Simin Emrani * Shler Karimi * Ahmadreza Mamduhi *
Keyhan Sayadpour * Hamzeh Shafiee * Nazi Solat

Kovrila Paĝo:

Kombinaĵo de griza, maltrankvila ĉielo supre, kaj bunta, esperema sceno de tutmonda solidareco sube. Ĉi tiu kontrasto simbolas la tutmondajn defiojn.

Lasta Paĝo:

Afiŝo de la 111-a UK

طرح روی جلد:

ترکیبی از آسمانی خاکستری و ناآرام در بالا، و صحنه‌ای رنگارنگ و پرامید از همبستگی جهانی در پایین. این تضاد، نمادی از چالش‌های جهانی در برابر تلاش‌های انسان‌دوستانه و فرهنگی است.

طرح پشت جلد:

پوستر صد و یازدهمین کنگره جهانی اسپرانتو



4	Antaŭ ĉio ... Hamzeh Shafiee		۴	قبل از هر چیز ... حمزه شفیعی
5	Novaĵoj		۵	اخبار دنیای اسپرانتو
10	Ekskurso en Pécs, Hungario Traduko: Nazi Solat		۱۰	گل‌گشت در مجارستان ترجمه: نازی صولت
11	Rakonto pri muro, kiu... Arash Abedini		۱۱	حکایت دیواری که ... آرش عابدینی
12	Ĉu Esperanto fiaskis aŭ sukcesis? Liu Xiaozhe		۱۲	آیا اسپرانتو شکست خورد یا موفق شد؟ لیو شیائوزه
14	Pri Tehrana Metroo Hamzeh Shafiee		۱۴	معرفی متروی تهران حمزه شفیعی
16	Reĝo, kultivisto kaj kvar veroj Hamzeh Shafiee		۱۶	پادشاه، کشاورز و چهار حقیقت محمود لطفعلی‌خانی
18	Amikeco, kiu transiras limojn Hamzeh Shafiee		۱۸	دوستی فراسوی مرزها حمزه شفیعی
20	Sentama Homamas' Traduko: Roland Platteau		۲۰	جمعیتی عاشق احساس ترجمه: رولاند پلاتو
21	Ni ridu kune! Mahmoud Lotfalikhani		۲۱	با هم بخندیم! محمود لطفعلی‌خانی
22	La potenco de filmoj Traduko: Zahra Noŭbahti		۲۲	قدرت فیلم‌ها ترجمه: زهرا نوبختی
24	La Lumo en la Fino D-ro Keyhan Sayadpour		۲۴	روشنی درون الهام رحمانی
25	La Kverelo de la Lingvoj Mahmoud Lotfalikhani		۲۵	دعوی زبان‌ها محمود لطفعلی‌خانی
26	Paĝoj en la kurda lingvo Shler Karimi		۲۶	صفحات به زبان کردی شهر کریمی
29	Paĝoj en la araba lingvo D-ro Keyhan Sayadpour		۲۹	صفحات به زبان عربی دکتر کیهان سیادپور

Antaŭ ĉio...

Kun iom da malfruo, ni prezentas al vi ĉi tiun numeron de nia revuo, kiu reflektas la gravajn ideojn kaj tutmondajn atingojn de la Esperanto-movado. En la nuna epoko, kiam la mondo frontas multajn krizojn — militajn, ekonomiajn, teknologiajn kaj sociajn — ni substrekas la neceson de "plurlingveco", kiu ebligas interkompreniĝon kaj vastigon de scio. Laŭ la Universala Esperanto-Asocio (UEA), plurlingveco estas "esenca por harmonia komunikado, toleremo, kaj socia unueco".

Dum la somero, okazis la "110-a Universala Kongreso de Esperanto (UK)" en Brno, Ĉeĥio, kun pli ol 1100 partoprenantoj el 63 landoj. Tio pruvas la vigecon de la Esperanto-komunumo.

Ni ankaŭ ĝojas pri la sukceso de iranaj verkistoj en la "Interkultura Novelo-Konkurso (INK)", kies temo estis "Artefarita Inteligenteco". S-ino "Mahin Rad" kaj S-ro "Javad Eskandari Mayvan" gajnis premiojn en la profesia kaj komencanta sekcioj, montrante la talenton de iranaj Esperantistoj.

Fine, ni devas pripensi: Ĉu Esperanto fiaskis aŭ sukcesis? Kiel substrekas la fama ĉina Esperantisto Liu Xiaozhe, Esperantistoj devas akcepti la realon, "forlasi nerealismajn iluziojn", kaj prezenti Esperanton surbaze de la "vero kaj realeco". La plej efika propagando estas la "lernado kaj aktiva uzo de la lingvo". Ni devas eliri el nia fermita rondo kaj helpi la ĝeneralan publikon sperti la utilecon de Esperanto por kontakti diversajn kulturojn.

Esperanto estas ponto; ponto de amikeco kaj komunikado. Ni invitas ĉiujn kontribui al ĉi tiu pado, kiu celas lingvan justecon kaj egalan dialogon inter ĉiuj homoj.

Salutas; Hamzeh Shafiee

قبل از هر چیز...

با پوزش بابت تاخیر در آماده‌سازی و انتشار، این شماره از نشریه را که منعکس‌کننده اندیشه‌های مهم و دستاوردهای جهانی جنبش اسپرانتو است، به شما خوانندگان عزیز تقدیم می‌کنیم. اسپرانتو، فراتر از یک زبان، همواره یک «ابزار بی‌بدیل برای تسهیل ارتباطات عمیق و برابر بین انسان‌ها» بوده است.

در این مقطع زمانی، جهان همچنان با بحران‌های نظامی، اقتصادی، فناوری و اجتماعی متعددی دست به گریبان است. در چنین شرایطی، ما توجه همگان را به اهمیت چندزبانگی جلب می‌کنیم، زیرا زبان‌ها ما را قادر می‌سازند تا دیدگاه‌ها را درک کنیم و دانش را گسترش دهیم. همانطور که سازمان جهانی اسپرانتو تأکید می‌کند، «چندزبانگی برای گفت‌وگو، مدارا، و وحدت اجتماعی ضروری است».

در تابستانی که گذشت، شاهد برگزاری موفقیت‌آمیز «صد و دهمین کنگره جهانی اسپرانتو» در شهر برنو، جمهوری چک، بودیم که با حضور بیش از ۱۱۰۰ شرکت‌کننده از ۶۳ کشور برگزار شد. این رویدادها، تجمعی باشکوه برای جامعه بین‌المللی اسپرانتو هستند.

همچنین، باید به درخشش نویسندگان ایرانی در «مسابقه بین‌فرهنگی داستان کوتاه INK» اشاره کرد که با موضوع «هوش مصنوعی، ماشین‌های اندیشمند و انسان خردمند» برگزار شد. خانم «مهین راد» و آقای «جواد اسکندری مایوان» با داستان‌های خود موفق به کسب جوایزی شدند که نشان‌دهنده پویایی و استعداد ایرانیان در ادبیات اسپرانتو است.

در نهایت، از خود می‌پرسیم: آیا اسپرانتو شکست خورده است یا موفق شده؟ همانطور که لیو شیائوزه، اسپرانتودان مشهور چینی، بیان می‌کند، ما باید «توهمات غیرواقعی» را کنار بگذاریم و اسپرانتو را بر پایه «حقیقت و واقعیت» ترویج دهیم. مؤثرترین تبلیغ، «یادگیری و استفاده عملی از اسپرانتو» است. اسپرانتودانان باید از دایره بسته خود خارج شوند و حلقه اسپرانتو را باز کنند تا مردم عادی نیز بتوانند «سودمندی اسپرانتو» را درک کنند و با افراد و فرهنگ‌های دیگر تماس بگیرند.

«اسپرانتو یک پل است؛ پلی از دوستی و ارتباط». این پل نه تنها برای اسپرانتودانان، بلکه برای انسان‌های بیشتری باید قابل عبور باشد. ما از شما دعوت می‌کنیم که در این مسیر، به پیشبرد عدالت فرهنگی و گفت‌وگوی برابر میان انسان‌ها کمک کنید.

با سپاس، حمزه شفیعی

La lasta sed ne simpla

Tiu ĉi foto estas la lasta kiun mi prenis kun Profesoro Renato Corsetti antaŭ lia forpaso.

Ni estis en la Universala Kongreso en Tanzanio pasintjare. Tamen, la foto portas grandajn lecionojn. Renato estis malsana, kaj lia malsano forprenis lin de ni. Mi rememoras ke li enhospitaliĝis dum la lastaj tagoj de la Universala Kongreso en Lisbono (2019) kiam la temperaturo estis pli ol 40 gradoj. En tia situacio, li vere riskis vojaĝi al Tanzanio. Certe la nivelo de medicina servo estas malalta en tiu lando, kompare al Eŭropo. Tamen, li amis Esperanton kaj Afrikon; kaj sciis ke lia partopreno portos multe da entuziasmo al afrikaj esperantistoj.

Restu li en paco!



D-ro Keyhan Sayadpour

چند خبر کوتاه

- * **کنگره جهانی اسپرانتو در برنو** - ۱۱۰مین کنگره جهانی اسپرانتو از ۴ الی ۱۱ مرداد ۱۴۰۴ در شهر برنو، جمهوری چک، برگزار شد. بیش از ۱۱۰۰ شرکت کننده از ۶۳ کشور حضور داشتند و برنامه شامل سخنرانی‌ها، کارگاه‌ها، تورها و کنسرت‌ها بود.
- * **انتخاب رئیس جدید انجمن جهانی اسپرانتو** - در کنگره جهانی، فرناندو مایا از برزیل به عنوان رئیس جدید سازمان جهانی اسپرانتو انتخاب شد. او جانشین دانکن چارترز شد و هیئت اجرایی شامل اعضای بین‌المللی مانند شان اوریان از ایرلند است.
- * **کنگره دوجانبه آمریکا-کانادا** - کنگره اسپرانتوی آمریکا و کانادا در ۲۰ تا ۲۳ تیر ۱۴۰۴ در تورنتو برگزار شد. این رویداد با روز بین‌المللی امید همزمان بود و پیامی از سفیر کانادا در سازمان ملل دریافت کرد.
- * **روز اسپرانتو** - چهارم مرداد به عنوان روز اسپرانتو جشن گرفته شد. پیام‌های سازمان جهانی اسپرانتو و پوسترها به زبان‌های مختلف منتشر شد. این روز بخشی از فعالیت‌های سازمان ملل برای اسپرانتو بود.
- * **کنفرانس مطالعات اسپرانتو** - ۴۷مین کنفرانس مطالعات اسپرانتو در نهم مرداد در برنو با موضوع «اسپرانتو و فن‌آوری‌ها» برگزار شد. این کنفرانس بخشی از برنامه‌های کنگره جهانی با تمرکز بر کاربردهای فن‌آوری بود.
- * **هفته زبان‌ها و صلح** - از ۲۱ تا ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۵ به عنوان هفته زبان‌ها و صلح اعلام شد. این هفته شامل روز صلح بین‌المللی و روز اروپایی زبان‌ها است. در این ایام رویدادهای جهانی برای ترویج احترام، تحمل و فرهنگ صلح برگزار می‌شود.
- * **کنگره آسیا-اقیانوسیه اسپرانتو** - این کنگره همزمان با کنگره سالانه اسپرانتوی ژاپن در هفته پایانی شهریورماه برگزار شد.

رادیو EBLOGO به صورت ۲۴ ساعته موسیقی و گزارش‌هایی به زبان اسپرانتو پخش می‌کند.

برخی اخبار، همچنین راهنمای برنامه‌ها، مصاحبه‌های خودجوش و تبریک‌های تولد، می‌توانند بنا به درخواست شنوندگان ارسال شوند. برای درخواست پخش برنامه دلخواهتان به آدرس **EBLOGO@Esperanto.de** ایمیل بزنید. دسترسی از طریق لینک‌های زیر:

<https://live.radio.blindzeln.org/kultur>

<https://live.radio.blindzeln.org/3>

این لینک‌ها با مرورگرهایی مانند «گوگل کروم»، «مایکروسافت اج»، «فایرفاکس» و غیره به خوبی کار می‌کنند.



رویداد شرکت کنند.

اهداف و برنامه‌ها

- تبادل فرهنگی میان گویش‌وران اسپرانتو
- سخنرانی‌ها، کارگاه‌ها، کنسرت‌ها و نمایشگاه‌ها
- جلسات تخصصی درباره زبان، آموزش، صلح جهانی و محیط زیست
- برنامه‌های ویژه برای جوانان و خانواده‌ها
- **درباره شهر گراتس**

- شهری با بیش از ۹۰۰ سال قدمت

- در سال ۲۰۰۳ به عنوان پایتخت فرهنگی اروپا انتخاب شد
- دارای چهار دانشگاه و حدود ۴۰ هزار دانشجو
- ثبت شده در فهرست میراث جهانی یونسکو
- میزبان چندین رویداد اسپرانتو در گذشته، از جمله کنگره‌های ملی و بین‌المللی
- گراتس حتی یک میدان به نام اسپرانتو دارد: **Esperantoplatz**
- فایل نخستین بولتن کنگره اسپرانتوی سال آینده از لینک زیر قابل دریافت است

https://uea.org/pdf/uk2026/Unua_Bulteno_UK2026_Graz.pdf



نخستین بولتن درباره صد و یازدهمین کنگره جهانی اسپرانتو منتشر شد، به همراه فرم ثبت‌نام آنلاین برای این کنگره که از اول تا هشتم اوت ۲۰۲۶ در شهر گراتس اتریش (به آلمانی: **Graz**) برگزار خواهد شد.

کنگره جهانی اسپرانتو (Universala Kongreso de Esperanto) بزرگ‌ترین گردهمایی سالانه گویش‌وران زبان اسپرانتو از سراسر دنیاست. این کنگره توسط انجمن جهانی اسپرانتو (UEA) برگزار می‌شود و هر سال در یک کشور متفاوت برگزار می‌گردد.

کنگره ۲۰۲۶ در گراتس، اتریش

کنگره ۱۱۱ام در سال ۲۰۲۶ از ۱ تا ۸ اوت در شهر زیبای گراتس (Graz)، دومین شهر بزرگ اتریش، برگزار خواهد شد.

مکان برگزاری

- دانشگاه گراتس (Universität Graz)

- مرکز کنگره گراتس (Congress Graz)

شرکت کنندگان

انتظار می‌رود حدود ۱۵۰۰ نفر از کشورهای مختلف در این

ARTIKOLO EN ĴURNALO "SHARGH" KURAĜIGAS "DEANGLIGON" POR KULTURA JUSTECO

La irana ĵurnalo 'Shargh' (Oriento) publikigis gravan artikolon en sia eldono de dimanĉo, la 14-a de septembro 2025 (numero 5202). La titolo de la artikolo estas: "Deangligo same efika kiel dedolarigo".

Mallonga Resumo de la Enhavo:

La artikolo, verkita de Ahmadreza Mamdouhi, Prezidanto de la Internacia Ligo de Esperantistaj Instruistoj (ILEI), prezentas la tezon de la forpasinta itala lingvisto, Profesoro Renato Corsetti.

Corsetti argumentis ke, same kiel multaj landoj (precipe en la grupo BRICS) klopodas defii la ekonomian hegemonion de Usono per "dedolarigo", tiel same ili devas malfermi novan vojon en la kultura sfero per "deangligo" (forlaso de la superregado de la angla lingvo).

La fontoj indikas, ke la angla lingvo estas rigardata kiel "ilo de kultura regado", simila al kiel la dolaro funkcias kiel ilo de ekonomia dominado. Liberiĝo de ĉi tiu lingva dominado ebligas kulturan kaj lingvan sendependecon.

Kiel praktikan solvon por internacia komunikado, Corsetti proponis la komunan uzon de "Esperanto", ĉar ĝi estas "neŭtrala komunikilo" kaj ne ligita al iu ajn specifa nacio aŭ politika potenco. La artikolo substrekas, ke Irano, kun sia historio de propono pri Esperanto en 1921 ĉe la Ligo de Nacioj, povas esti pioniro en ĉi tiu ideo de lingva egaleco. La subteno de Esperanto celas garantii la egalecon de ĉiuj naciaj lingvoj sur la monda nivelo.



در شرق امروز می‌خوانید: همه محمود کردند جز بردانی • مخالفت و موافقت باجایا با برنامه هسته‌ای • انگلیسی‌زدایی، گامی همسنگ دلارزدایی

یاد

انگلیسی‌زدایی، گامی هم‌سنگ دلارزدایی

احمد رضا ممدوحی

رئیس اتحادیه بین‌المللی مدرسین اسپراتودان

نیز بابت حق تالیف یا کپی‌رایت و استفاده از مدرسین خارجی، به آمریکا و انگلستان یا شهروندان آنها سرازیر می‌شود. مهم‌تر از همه، چنین رویکردی به همه زبان‌ها و فرهنگ‌ها شان و اعتباری برابر می‌بخشد.

کورستی برای رفع مشکل ارتباطی میان کشورها، به‌ویژه در گروه بریکس، راه‌حلی عملی ارائه کرده است: استفاده مشترک از زبان بین‌المللی اسپراتو. این زبان نه وابسته به کشوری خاص است و نه حامل امتیاز سیاسی یا فرهنگی برای قدرتی ویژه؛ بلکه ابزار ارتباطی بی‌طرفی است که همه می‌توانند به‌طور برابر از آن بهره‌گیرند. او باور داشت همان‌طور که دلارزدایی استقلال اقتصادی را تقویت می‌کند، انگلیسی‌زدایی نیز استقلال فرهنگی و زبانی ملت‌ها را ممکن می‌سازد، این امر به‌نوبه خود، گامی بزرگ در جهت نیل به عدالت آموزشی نیز هست. این اندیشه برای کشورهایی چون ایران معنای ویژه‌ای دارد. فارسی به‌عنوان یکی از کهن‌ترین زبان‌های جهان، حامل میراث عظیم ادبی و فرهنگی است؛ اما در فضای علمی و رسانه‌ای امروز، فشار زبان انگلیسی می‌تواند سبب به‌حاشیه‌راندن آن شود. ایران که در سال‌های اخیر با عضویت در بریکس و گسترش همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی با آسیا و آمریکای لاتین نشان داده به‌نظم جهانی چندقطبی باور دارد، می‌تواند در پیشبرد ایده استقلال زبانی نیز پیشگام باشد. همان‌طور که در سال ۱۹۲۱ میلادی نیز در نخستین نشست «جامعه ملل» که شکل اولیه «سازمان ملل متحد» بود، پیشنهاد استفاده از زبان اسپراتو را ارائه کرد و با مخالفت فرانسه، ابرقدرت زمان و زبان روبه‌رو شد. حمایت از اسپراتو و گسترش آموزش و پژوهش درباره آن، نه به‌معنای کنار گذاشتن زبان‌های ملی، بلکه به‌معنای تضمین برابری همه آنها در سطح جهانی است. پیام کورستی در واقع هشدار و آمیدی هم‌زمان است: هشدار نسبت به ادامه راهی که به تداوم امپریالیسم فرهنگی می‌انجامد و امید به جهانی که در آن هیچ زبانی بر دیگری سلطه ندارد. یاد و اندیشه‌های او می‌تواند الهام‌بخش همه ملت‌هایی باشد که به‌دنبال عدالت فرهنگی، استقلال فکری و گفت‌وگویی برابر میان انسان‌ها هستند. «گفت‌وگوی تمدن‌ها» نیز در درجه اول به زبانی مشترک و غیرامپریالیستی احتیاج دارد. شاید امروز وقت آن رسیده باشد که همان‌گونه که درباره دلارزدایی به‌طور جدی سخن می‌گوییم، درباره انگلیسی‌زدایی هم تصمیمی تاریخی بگیریم.

* اصل اسپراتو و ترجمه فارسی این مقاله تحت عنوان «انگلیسی‌زدایی به‌اندازه دلارزدایی مؤثر است» در شماره ۵۰ فصل‌نامه «پیام سبزاندیشان» منتشر شده است.

سلطه آمریکا تنها اقتصادی نیست؛ همان‌طور که دلار ابزار هژمونی یا استیلای مالی و اقتصادی است، زبان انگلیسی نیز ابزار سلطه فرهنگی است. پروفیسور رناتو کورستی، زبان‌شناس ایتالیایی، راهی برای رهایی ملت‌ها از این سلطه پیشنهاد داده است: جایگزین کردن زبان انگلیسی با زبان بین‌المللی اسپراتو به‌عنوان ابزاری بی‌طرف و عادلانه برای گفت‌وگو. چندی پیش جامعه علمی و فرهنگی جهان یکی از صداهای پرشور خود را از دست داد: پروفیسور رناتو کورستی، زبان‌شناس برجسته و رئیس پیشین سازمان جهانی اسپراتو (دارای روابط رسمی با ملل متحد و یونسکو)، او بیش از نیم‌قرن زندگی علمی و اجتماعی خود را وقف دفاع از عدالت زبانی و ارتباط برابر میان ملت‌ها کرد و همواره بر این باور بود که «زبان باید آزادی باشد، نه سلطه». کورستی در کنار جایگاه دانشگاهی‌اش به‌عنوان استاد روان‌زبان‌شناسی (psikolingvistiko) در دانشگاه رم، شخصیتی فروتن و صمیمی بود که باور داشت هیچ ملتی نباید در گفت‌وگو با دیگران خود را «فرودست» احساس کند. او با شور فراوان از اسپراتو-زبانی بی‌طرف و ساخته‌شده برای ارتباط بین‌المللی - دفاع می‌کرد و آن را کلیدی برای رهایی ملت‌ها از سیطره فرهنگی قدرت‌های بزرگ می‌دانست. یکی از آخرین مقالات او که اکنون بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته، درباره انگلیسی‌زدایی است. کورستی با نگاهی ژرف استدلال می‌کرد همان‌طور که بسیاری از کشورها - به‌ویژه در گروه بریکس - در تلاش‌اند سلطه اقتصادی آمریکا را از راه «دلارزدایی» به چالش بکشند، در عرصه فرهنگی نیز باید با کنار گذاشتن سلطه زبان انگلیسی یا «انگلیسی‌زدایی»، راهی تازه گشود. به باور او، جهان چندقطبی در حال شکل‌گیری نمی‌تواند بر پایه پذیرش یک زبان انحصاری - که بار سنگین فرهنگ و ایدئولوژی خاصی را بر دوش می‌کشد - سامان یابد. او به تاریخ اشاره می‌کرد: به سخن مشهور آنتونیو دی‌بریکار در سال ۱۹۹۲ که گفت: «زبان همیشه باور امپراتوری بوده است». همان‌گونه که اسپانیایی و پرتغالی زمانی ابزار گسترش امپراتوری‌های استعمارگر بودند، امروز نیز زبان انگلیسی نقشی مشابه ایفا می‌کند. به‌گفته کورستی، از رهگذر زبان است که ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی خاصی - مانند فردگرایی افراطی یا رقابت اقتصادی بی‌قاعده - به دیگر ملت‌ها تحمیل می‌شود. از نگاه او، رهایی از این سلطه زبانی، تنها با انگلیسی‌زدایی امکان‌پذیر است. این کار صرفه‌جویی‌های بسیاری به همراه دارد؛ زیرا این کشورها دیگر مجبور نخواهند بود میلیاردها دلار صرف آموزش و تولید محتوای انگلیسی کنند که تازه بخش عمده آن

قطعه‌نامه صد و دهمین

کنگره جهانی اسپرانتو



از ۲۶ ژوئیه تا ۲ اوت ۲۰۲۵، ۱۱۳۲ نفر از ۶۳ کشور در شهر برنو، جمهوری چک، گرد هم آمدند تا در صد و دهمین کنگره جهانی اسپرانتو شرکت کنند. ما درباره موضوع «اسپرانتو و فناوری‌ها به‌عنوان پل‌هایی برای صلح و اعتماد میان ملت‌ها» بحث کردیم. همزمان، با فعالیت‌های خود نشان دادیم که زبان بین‌المللی اسپرانتو چگونه به‌عنوان پلی میان افرادی با زبان‌ها، کشورها، تجربیات و دیدگاه‌های گوناگون عمل می‌کند. با محدود کردن بررسی فناوری‌های جدید به جنبه‌های ارتباطی آن‌ها، گزارشی تهیه کردیم و بر اساس آن این قطعه‌نامه را تدوین نمودیم:

با خرسندی اعلام می‌کنیم که فناوری‌های ارتباطی جدید امکان افزایش قابل‌توجه تعداد گویشوران در دسترس اسپرانتو را فراهم کرده‌اند، به‌گونه‌ای که دانش اسپرانتو در جهانی متصل، روزبه‌روز برای دستیابی به صلح و اعتماد میان ملت‌ها ارزشمندتر می‌شود.

ما خاطرنشان می‌کنیم که هوش مصنوعی (AI) برای ترجمه ماشینی و، به کمک آن، ارتباطات چندزبانه، ارزان و به‌طور گسترده قابل استفاده شده است.

در عین حال، مشاهده می‌کنیم که انگیزه برای یادگیری زبان‌های خارجی، از جمله به دلیل استفاده از هوش مصنوعی، کاهش یافته و این امر به کاهش برابری زبانی و گرایش به نوعی بومی‌گرایی فرهنگی منجر شده است. با نگرانی اعلام می‌کنیم که فراوانی ابزارهای ارتباطی دیجیتال باعث شده بسیاری از افراد به منابع اطلاعاتی هم‌رأی با خود گرایش پیدا کنند، که این امر قطب‌بندی در جامعه را تقویت می‌کند.

ما تأکید می‌کنیم که اسپرانتو کاملاً به‌عنوان یک زبان بین‌المللی مناسب است و هم‌اکنون دارای جامعه‌ای جهانی از گویشوران است که به‌عنوان یک جنبش، از احترام و ارزش‌گذاری به زبان‌ها و تنوع فرهنگی حمایت می‌کند.

به همین دلیل، از دولت‌ها و جامعه مدنی در همه کشورها درخواست می‌کنیم:

- به آموزش زبان‌های همسایه بازگردند و اسپرانتو را به‌عنوان یک درس در مدارس معرفی کنند تا تماس مستقیم با فرهنگ‌های همسایه و رویکرد بی‌طرفانه به سایر زبان‌ها تقویت شود؛

- برای ارتقای جایگاه زبان‌های محلی و اسپرانتو در مقایسه با زبان‌های مسلط تلاش کنند.

ما نتیجه می‌گیریم که:

- اعتماد متقابل می‌تواند به ایجاد فضایی اجتماعی هماهنگ، محترمانه، امن و بین‌فرهنگی کمک کند و نیروهای تفرقه‌افکن در جامعه را کاهش دهد؛

- احترام به فرهنگ‌های محلی که از طریق زبان‌های محلی منتقل می‌شوند، تقویت می‌شود و همزمان انسجام اجتماعی برای صلح افزایش می‌یابد؛

- بدین ترتیب، ابزارهای ارتباطی جدید به ساختن پل‌هایی میان ملت‌ها کمک خواهند کرد و گرایش به ایجاد موانع و قطب‌بندی کاهش خواهد یافت.

برنو، ۱ اوت ۲۰۲۵

“Proksime al la celo”

درخشش نویسندگان ایرانی در چهارمین دوره مسابقه بین فرهنگی داستان کوتاه INK

در مراسمی که در تاریخ ۲۷ ژوئیه و همزمان با برگزاری کنگره جهانی اسپرانتو در شهر برنو، جمهوری چک برگزار شد، برندگان چهارمین دوره مسابقه بین فرهنگی داستان کوتاه INK معرفی شدند. این دوره با موضوع «هوش مصنوعی، ماشین‌های اندیشمند و انسان خردمند» برگزار شد و نویسندگانی از سراسر جهان با آثار خود در دو بخش حرفه‌ای و مبتدی به رقابت پرداختند.

درباره مسابقه INK

مسابقه INK توسط جامعه ادبی Bobelarto برگزار می‌شود و هدف آن ترویج ادبیات اسپرانتو و ایجاد بستری برای تبادل فرهنگی از طریق داستان‌نویسی است. این مسابقه هر ساله با موضوعی متفاوت برگزار می‌شود و نویسندگان از سراسر جهان می‌توانند آثار خود را ارسال کنند.

آغاز دوره جدید

همزمان با اعلام نتایج دوره چهارم، پنجمین دوره این مسابقه نیز با موضوع «نزدیک به هدف» آغاز شده است و علاقه‌مندان می‌توانند آثار خود را برای شرکت در این دوره ارسال کنند.

برای اطلاعات بیشتر و مشاهده آثار برگزیده، به وبسایت رسمی Bobelarto مراجعه کنید: (<https://bobelarto.ink>)

با آرزوی موفقیت برای نویسندگان ایرانی در دوره‌های آینده این رقابت جهانی.

درخشش ایرانی‌ها در میان برندگان

در بخش حرفه‌ای، خانم «مهین راد» از ایران با داستانی با عنوان «سس قرمز روی پیراهن آبی» موفق شد جایزه ۲۰۰ یورویی این بخش را از آن خود کند. داستانی که با نگاهی انسانی و خلاقانه به تعامل میان انسان و فناوری پرداخته بود و تحسین داوران را برانگیخت. همچنین در بخش مبتدی، آقای «جواد اسکندری مایوان» با داستان «همدم» توانست جایزه ۵۰۰ یورویی این بخش را کسب کند. اثری که با نثری روان و احساسی، به تنهایی انسان در عصر دیجیتال و نقش همراهی هوش مصنوعی پرداخت.

برندگان دیگر این دوره

در کنار نویسندگان ایرانی، شرکت‌کنندگانی از روسیه، چین، استونی، ایتالیا، آلمان، اوکراین و پورتوریکو نیز موفق به دریافت جوایز شدند. مجموعاً ده نویسنده در این دوره مورد تقدیر قرار گرفتند.

پیام سازمان جهانی اسپرانتو به مناسبت روز اسپرانتو، ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۵:

چندزبانگی و صلح

در روز جهانی اسپرانتو، ۲۶ جولای، ما صد و سی و هشتمین سالگرد ظهور زبان بین‌المللی اسپرانتو را جشن می‌گیریم، یک پروژه و جنبش زبانی بین‌المللی و بین قومی منحصر به فرد از مردمی که می‌خواهند یکدیگر را درک کنند و به طور مسالمت‌آمیز یکدیگر را بشناسند.

بحران‌های متعددی وجود مشترک ما را تهدید می‌کنند. بحران‌های نظامی، اقتصادی، فناوری، اجتماعی، زیست‌محیطی و اقلیمی. فقدان اعتماد بین‌المللی و احترام به توافق‌های بین‌المللی وجود دارد. در بحبوحه این مشکلات، مردم در جهانی رنج می‌برند که همزیستی مسالمت‌آمیز، حقوق بشر و توسعه برای همه، بسته به تصمیمات و اقدامات مشترک، کاملاً قابل دستیابی است.

در مواجهه با این چالش‌ها، می‌خواهیم توجه را به اهمیت چندزبانگی و صلح جلب کنیم. تقویت توانایی‌های ما برای نزدیک شدن به یکدیگر، شناختن یکدیگر، درک یکدیگر و همکاری با یکدیگر ضروری است. به همین دلیل است که زبان‌ها مهم هستند، زیرا از طریق زبان‌ها است که ما چیزها را درک می‌کنیم، دانش را گسترش می‌دهیم و با یکدیگر صحبت می‌کنیم. چندزبانگی هم احترام به همه زبان‌ها و هم تلاشی برای ارتباط متقابل با هدف صلح است. طبق اعلام سازمان ملل متحد، چندزبانگی برای ارتباط هماهنگ بین مردم و دیپلماسی چندجانبه ضروری است. این امر گفتگو، مدارا و تفاهم، و همچنین شمول و وحدت اجتماعی را ترویج می‌دهد.

اسپرانتیست‌های سراسر جهان برای توسعه درک و احترام متقابل گرد هم می‌آیند. آنها برای برانگیختن بحث در مورد مشکلات زبان‌های جهان و جلب توجه به لزوم برابری بین زبان‌ها تلاش می‌کنند. انجمن جهانی اسپرانتو، از زمان تأسیس خود در سال ۱۹۰۸، سعی کرده است با سازمان‌های بین‌المللی همکاری کند و با هدف صلح و تفاهم بین‌المللی و جلب توجه به جنبه زبانی همه امور جهان، همکاری کند.

در این روز اسپرانتو (۲۶ ژوئیه)، که خوشبختانه نزدیک به روز جهانی امید (۱۲ ژوئیه) و روز جهانی دوستی (۳۰ ژوئیه) است، ما خواستار ترویج دوستی بین مردم، اقوام، کشورها و فرهنگ‌ها هستیم. به همین ترتیب، ما خواستار به رسمیت شناختن امید و رفاه به عنوان ارزش‌های اصلی برای تصمیمات عمومی هستیم. ما متقاعد شده‌ایم که تنها راه برای جهانی بهتر برای همه، مبتنی بر گفتگوی مشترک است. ما باید از دولت‌هایمان نه اختلاف بر سر منابع، بلکه جستجوی چندجانبه برای راه‌حلهایی با احترام به حقوق بشر همه را مطالبه کنیم. ما از همه دعوت می‌کنیم که نه تنها اسپرانتو را بشناسند و شاید یاد بگیرند، بلکه مهم‌تر از آن، برای ساختن جهانی برای همه ما، در همزیستی مسالمت‌آمیز، متحد شوند.

منبع:

<https://uea.org/gk/1241>

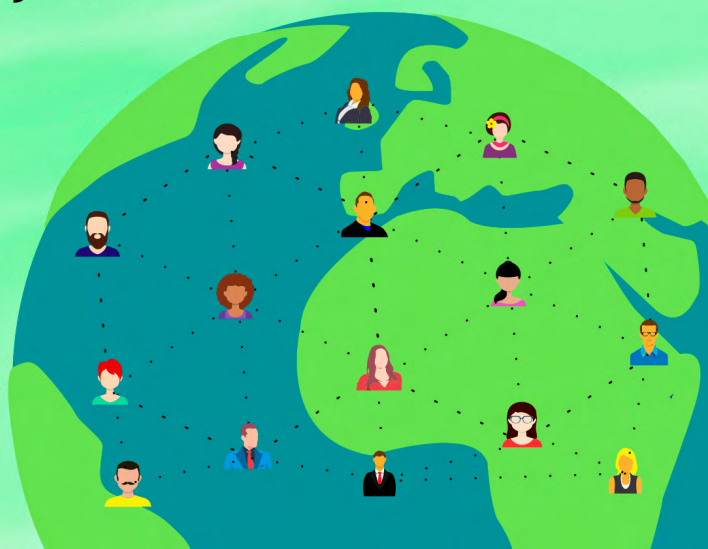


Universala Esperanto-Asocio

Tago de Esperanto

Esperanto,
Multlingvismo
kaj Paco

26 julio
2025



گلگشت در Pécs مجارستان

ترجمه: نازی صولت



ما هیجده نفر مشتاق بودیم که روز شنبه به گلگشت مجموعه منحصر به فرد اسپرانتویی Pécs در مجارستان رفتیم و از آن بازدید کردیم.

زمان برگزاری گردهمایی جوانان (IJK) در سال ۱۹۶۶، شهر پیچ تصمیم گرفت یک پارک اسپرانتو در مرکز شهر ایجاد کند؛ جایی که یک سنگ یادبود بزرگ اسپرانتو با نقش برجسته‌ای از زامنهوف قرار داشت، افتتاح شد. در سال ۲۰۱۰، پیچ عنوان "پایتخت فرهنگی اروپا" را به خود اختصاص داد و به همین مناسبت، این پارک با یک دیوار یادبود منحصر به فرد اسپرانتو و ۱۱ لوح یادبود مرمر سیاه، برای ادای احترام به اسپرانتودانان برجسته مجارستانی تکمیل شد!

این پارک در مرکز شهر واقع شده و به عنوان زمین بازی برای کودکان نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد، بنابراین خانواده‌ها به طور گسترده از آن بازدید می‌کنند.

از پارک، سنگ یادبود و ۱۱ لوح یادبود بازدید کردیم. ما اطلاعات مربوط به افراد مشهور را جمع کرده و هر کدام آنچه را که در مورد فعالیت‌هایشان برای اسپرانتو می‌دانستند یا به خاطر داشتند، اضافه کردیم.

لوح‌های مرمری و سنگ یادبود هنوز پابرجا هستند، اما کاملاً نادیده گرفته شده‌اند و کسی از آنها مراقبت نمی‌کند. ما یک تفنگ آب‌پاش قابل حمل با فشار بالا با خود برده بودیم و به وسیله آن، لوح‌ها و سنگ یادبود را تمیز کردیم. با این حال، سال‌های زیادی گذشته است؛ گذشت زمان حتی سنگ‌ها را هم فرسوده کرده است و آنها به بازسازی پیچیده‌تری نیاز دارند.

بسیار خوشحال‌کننده بود که نیمی از گروهمان، شامل افراد جدیدی بودند که برای اولین بار در چنین گشت و گذاری شرکت می‌کردند - مبتدیان و همچنین اسپرانتیست‌های قدیمی هم وجود داشتند - اما متأسفانه اسپرانتیست‌های محلی شهر، ما را همراهی نکردند، آنها عملاً دیگر وجود ندارند.

پس از یک پیاده‌روی کوتاه در شهر، صرف یک وعده غذایی مشترک و یک گفتگوی دلپذیر برای تمرین زبان، تعدادی از ما به شهر همسایه، Komlo، رفتیم تا از مجموعه محلی و یک لوح یادبود روی دیوار شهرداری، نیز بازدید کنیم. احتمالاً توجه زیادی را به خود جلب کردیم، زیرا یک مرد محلی مهربان از راه رسید که ما او را یک اسپرانتودان محلی می‌شناختیم و با او به اسپرانتو صحبت کردیم. او خود را به زبان مجاری معرفی کرد؛ در کمال تعجب متوجه شدیم که او خود شهردار بود و به ما گفت که شهرداری قبلاً دستور بازسازی و زیباسازی لوح یادبود اسپرانتو را داده است! - از او بابت این اقدام، بسیار سپاسگزاریم!

نوشته: Szilvasi Laszlo

منبع:

<https://www.facebook.com/groups/128827667179539/?ref=share&mibextid=KtfwRi>



Rakonto pri muro, kiu atestis okazaĵojn de la 12-taga milito “Mi ankaŭ estas muro, kiel ĉiuj aliaj muroj”

Arash Abedini

Estas ĉirkaŭ tagmezo. Mi sentas la tremojn de la tero. Mi ankaŭ estas muro; kiel ĉiuj aliaj muroj. Antaŭ pli ol dudek jaroj mi estis konstruita de sperta arkitekto, kaj dum ĉi tiuj jaroj oni kelkfoje farbis min; foje blanke, foje nigre. Foje oni pendigis nigran tukon, foje oni algluis reklamajn foliojn. Mi estas muro; nur tio kaj nenio pli.

Miaj samspeculoj, ie en la alia flanko de la urbo, disfalas per aĵoj, kiuj falas el la ĉielo. Fine, ĉio, kio falas el la ĉielo, eksplodas, sed ĉi tio estas malsama; ĉi tiu aĵo, kiam ĝi falas, detruas. Mi aŭdas la detruon per la radio aŭ per la poŝtelefonoj de la homoj, kiuj staras apud mi kaj atendas la metroon. Ili diras, ke ĉi tio signifas la morton de muroj, la morton de konstruaĵoj kaj la morton de ĉio. La morto de muroj dolorigas min; finfine, muro devas morti per natura morto. Tio, ke oni intence mortigas muron, afliktiĝas mian koron.

La tero denove tremas. Estas la kvina tago, ke homoj sin apogas al mi por ŝirmo. Finfine mi estas muro; se tiu aĵo pluvus el la ĉielo, kion mi eĉ povus fari? Mi estas senpova; muro estas pli senhelpa ol tio, ke ĝi povus savi iun.

Kelkaj homoj staras apud mi kaj senĉese parolas pri la milito. Mi ne scias, kio estas milito; eble estas tio sama, kio mortigas murojn. Mi imagas: la tero tremas, homoj timas, muroj disfalas; tiuj samaj muroj, kiuj estis konstruitaj por ŝirmo, nun fariĝas kaŭzo de morto.

Mi ankaŭ timas; mi timas, ke io pluvos el la ĉielo sur min kaj mi ankaŭ fariĝos kaŭzo de morto kaj disfalos sur ĉi tiujn pasantojn. Mia morto fariĝu kaŭzo de morto por la homoj, kiuj rifuĝis al mi.

Virino prenas la manon de sia filo; mi vidas timon en iliaj okuloj. En iliaj manoj estas plastosako kun kelkaj pakaĵoj; eble ili aĉetis. Mi estas maltrankvila pri ili.

Malproksimiĝu de mi.

Ili ne aŭdas mian voĉon.

Iru, bonvolu ne alproksimiĝu; eble mi disfalos kaj vundos vin. Malproksimiĝu de mi.

Kiam homoj estas malĝojaj, ili ploras; kiam ili senesperigas, ili ploras. Muroj ne povas plori; ili fendiĝas, kaj ĉi tiuj fendoj fariĝas tiom multaj, ke ili disfalas. Eble ankaŭ mi havas fendon en mia koro. Kial mi devus fendiĝi? Eble pro senpoveco; pro tio, ke homoj rifuĝas al mi kaj mi estas tro senpova por esti ŝirmejo por ili.

توضیح: متن اصلی و فارسی این
حکایت در نشریه ماهانه «انشا و
نویسندگی» (شماره ۱۸۰) منتشر
شده است.



اسپرانتودان مشهور چینی، لیو شیائوزه (سولیس)، دیدگاه‌های خود را به طور جامع‌تری در مقاله طولانی «اسپرانتو: تاریخ و فرهنگ، شکست و دستاورد، واقعیت و آینده» ارائه کرده است. این متن، بخش پایانی و نتیجه‌گیری آن مقاله است.

libera folio

sendependa movada bulteno

ĉefpaĝo movado interreto kulturo vidpunkto pri libera folio privateco kontakti la redakton

Ĉu Esperanto fiaskis aŭ sukcesis?

de Libera Folio je 2025-07-08 en vidpunkto

Ĉu Esperanto estas lingvo sen historio kaj kulturo? Ĉu Esperanto fiaskis, aŭ ĉu male ĝi jam sukcesis? En vidpunkta artikolo Liu Xiaozhe pripensas, kion povas fari la Esperantista komunumo por adaptiĝi al la aktuala mondo.



Liu Xiaozhe (Solis).

آیا اسپرانتو شکست خورد یا موفق شد؟

آیا اسپرانتو زبانی بدون تاریخ و فرهنگ است؟
آیا اسپرانتو شکست خورده است یا از قبل موفق بوده است؟ لیو شیائوزه در مقاله‌ای با رویکردی انتقادی، به بررسی این موضوع می‌پردازد که جامعه اسپرانتو برای سازگاری با دنیای کنونی چه کاری می‌تواند انجام دهد.

دوست دارند بگویند که تولستوی اسپرانتو را در ۲ ساعت و برخی اسپرانتو را در ۷ روز یاد گرفتند. این مثال‌ها برای مردم عادی بی‌معنی است، زیرا اکثر دانش‌آموزان حتی در ۷۰ روز هم اسپرانتو را یاد نمی‌گیرند! اگر اسپرانتوزبانان به ترویج اسپرانتو به این روش ادامه دهند، مردم به صداقت اسپرانتوزبانان شک خواهند کرد و مبتدیانی که اسپرانتو را در مدت کوتاهی یاد نمی‌گیرند، به توانایی یادگیری خود شک خواهند کرد و به دلیل افسردگی اسپرانتو را رها خواهند کرد.

اسپرانتو را از طریق عمل ترویج دهید، اما نه فقط از طریق زبان. خود اسپرانتوشناسان باید در استفاده از این زبان برای نشان دادن نقش آن در ارتباطات بین‌المللی پافشاری کنند. با دیدن اینکه اسپرانتو ابزاری مؤثر برای برقراری ارتباط با افراد از اقوام دیگر یا افراد در کشورهای دیگر است، برخی علاقه‌مند می‌شوند و به امتحان کردن این زبان ادامه می‌دهند.

تبلیغ اسپرانتو قطعاً ضروری است. تبلیغ به مردم فرصت یادگیری اسپرانتو و علاقه‌مند شدن به این زبان را می‌دهد. اما اگر دیگران علاقه‌مند نیستند، دست از صحبت کردن بردارید. بی‌وقفه پرحرفی نکنید، زیرا ما از صحبت کردن بی‌وقفه و تبلیغات بیش از حد، که اغلب توسط افراد مذهبی پرهیزگار اما بیش از حد مشتاق انجام می‌شود، متنفریم. از بی‌تفاوتی و امتناع دیگران ناامید نشوید. هیچ چیزی در دنیا وجود ندارد که بتواند همه را علاقه‌مند کند. مؤثرترین تبلیغ، یادگیری و استفاده از اسپرانتو است. با دیدن اینکه اسپرانتو مفید است، افراد علاقه‌مند بالقوه احتمالاً آن را یاد خواهند گرفت. از طریق اعمال خود، نه فقط از طریق کلام، بر دیگران تأثیر بگذارید. اغلب به برخی از مؤمنان توصیه می‌شود: فقط تبلیغ نکنید که دین شما صلح‌آمیز است، بلکه صلح‌آمیز عمل کنید!

در کاربرد اسپرانتو، گویشوران اسپرانتو باید توجه و دقت بیشتری به اثربخشی عملی آن زبان داشته باشند و در واقع سودمندی

اسپرانتو تا حدودی و درجه‌ای موفق بوده است. با این حال، آنطور که زامنهوف، مبتکر آن، رویای آن را در سر می‌پروراند، به زبان دوم برای همه تبدیل نخواهد شد. اکثر مردم جهان به هیچ وجه به مشکلات زبانی اهمیت نمی‌دهند. برای آنها، فقط زبان مادری خودشان کافی است. تحت فشار زبان‌های قدرتمند، اسپرانتو به عنوان یک زبان اقلیت و سرگرمی تعداد کمی از مردم باقی خواهد ماند. اما به عنوان وسیله‌ای برای ارتباط، به دلیل پراکندگی گسترده اسپرانتوزبانان در سراسر جهان، اسپرانتو به عنوان یک وسیله ارتباطی، نقشی غیرقابل جایگزین در ارتباطات بین‌المللی غیردولتی برای یک دوره تاریخی طولانی در آینده ایفا خواهد کرد. همه آرمان‌های زیبا به حقیقت نمی‌پیوندند. بیش از ۱۳۰ سال از ظهور اسپرانتو می‌گذرد و در این مدت، تغییرات عظیمی در جهان در جامعه، سیاست، اقتصاد، علم، فناوری و سایر حوزه‌ها رخ داده است، به همین دلیل است که اسپرانتو دیگر فرصتی برای تبدیل شدن به زبان دوم همه ندارد. اسپرانتودانان باید واقعیت را بپذیرند، توهّمات غیرواقعی را کنار بگذارند و اسپرانتو را دوباره بررسی کنند، هدف و استراتژی جنبش اسپرانتو را مرور کنند و با شرایط فعلی سازگار شوند.

هنگام ترویج اسپرانتو، باید انتظار بیش از حد آرمان‌گرایانه مبنی بر تبدیل شدن اسپرانتو به زبان دوم همه را کنار گذاشت. هنگام ارائه اسپرانتو به غیر اسپرانتوزبانان، باید علاوه بر ایده ذاتی آن، بر ارزش‌های عملی آن، یعنی نقش ویژه آن در ارتباطات بین‌المللی، نقش مهم آن در حفاظت از تنوع زبانی و فرهنگی، نقش آن در فراهم کردن امکان برقراری ارتباط بین مردم عادی وای مرزها و از بین بردن مانع زبان‌های قومی، تأکید و آن را نشان داد.

اسپرانتو را بر اساس واقعیت و حقیقت ترویج دهید. در مقایسه با زبان‌های ملی، یادگیری اسپرانتو واقعاً ساده و آسان است. اما بسیاری از اسپرانتوزبانان در مورد این سهولت اغراق می‌کنند. آنها

اسپرانتو را در ارتباطات بین‌المللی نشان دهند. آرمان درونی ویژه زبان اسپرانتو، پیوند احساسی بین گویشوران اسپرانتو است که رابطه بین گویشوران اسپرانتو را، چه از یک کشور و چه از کشورهای مختلف، نزدیک‌تر می‌کند. اما بسیاری از گویشوران اسپرانتو، تماس‌های داخلی را به تماس‌های بین‌المللی ترجیح می‌دهند و برخی حتی فقط با گویشوران اسپرانتو در کشورهای خود تماس می‌گیرند و هرگز از اسپرانتو برای تماس بین‌المللی استفاده نمی‌کنند زیرا تماس داخلی آسان‌تر و ارزان‌تر است.

امروزه، اینترنت به طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد و هزینه ارتباط از طریق شبکه به صفر نزدیک می‌شود، در حالی که بسیاری از اسپرانتوزبانان هنوز فقط با افراد همفکر در کشور خود ارتباط برقرار می‌کنند. با یادگیری اسپرانتو، آنها از این زبان برای درک مردم در کشورهای دیگر استفاده نمی‌کنند، جوامع کشورهای دیگر را مشاهده نمی‌کنند، علم و فناوری مدرن را نمی‌آموزند، مفاهیم مدرن را درک نمی‌کنند، بلکه فقط با افراد همفکر از همان کشور ارتباط برقرار می‌کنند، فقط ادبیات اسپرانتو را که از زبان‌های ملی آنها ترجمه شده است می‌خوانند، اخبار را به اسپرانتو که فقط از کشورهای خودشان ترجمه شده است، مرور می‌کنند. اگر هدف اولیه اسپرانتو، زبان کمکی بین‌المللی، را در نظر بگیریم، این یک فعالیت اجتماعی بی‌اثر است و با توجه به زمان و انرژی صرف شده برای یادگیری، اتلاف بی‌فایده است.

اسپرانتودانان باید در فعالیت‌های بین‌المللی فعال باشند، از زبانی که آموخته‌اند به طور کامل استفاده کنند و از طریق اسپرانتو به طور گسترده با افراد کشورهای مختلف تماس و ارتباط برقرار کنند. این امر ارزش زبان اسپرانتو را به حداکثر می‌رساند.

در نهایت، اسپرانتودانان باید از دایره بسته خود خارج شوند، در را به روی غیر اسپرانتودانان باز کنند و به طور فعال در جامعه بیرون ادغام شوند. اسپرانتودانان باید به افراد و سازمان‌های دیگر کمک کنند تا بر مانع زبانی برای تبادلات بین‌المللی فرامرزی در زمینه‌های مختلف غلبه کنند.

اسپرانتودانان همیشه مشتاق ترویج این زبان هستند، اما وقتی برای ارتباط بین‌المللی به این زبان صحبت می‌کنند، که فرصت خوبی برای نشان دادن سودمندی اسپرانتو است، تقریباً هرگز از عموم مردم خارج از کشور برای شرکت در رویدادهایشان دعوت نمی‌کنند و خودشان نیز به ندرت در رویدادهای غیر اسپرانتو با شخصیت یک اسپرانتودان شرکت می‌کنند. به نظر می‌رسد جامعه اسپرانتودان گروهی بسته از ایده‌آل‌گرایان است که فقط می‌خواهند خودشان را سرگرم و خوشحال کنند.

کنگره جهانی اسپرانتو که هر تابستان در کشورهای مختلف برگزار می‌شود، رویدادی باشکوه برای جامعه بین‌المللی اسپرانتو است. هزاران اسپرانتیست از سراسر جهان گرد هم می‌آیند و به مدت یک هفته از مصاحبت یکدیگر لذت می‌برند، به یک زبان صحبت می‌کنند، سرگرمی‌های مختلف و کنفرانس‌های علمی برگزار می‌کنند. اسپرانتیست‌ها در این فضای اسپرانتویی مست می‌شوند و به این واقعیت افتخار می‌کنند که این کنگره تنها کنفرانس بین‌المللی بدون مترجم در جهان است. اما آنها هرگز دعوت از غیر اسپرانتیست‌ها را برای شرکت در این رویداد در نظر نمی‌گیرند، که این امر فرصت مردم عادی را برای تجربه نقش و جادوی این زبان

هدر می‌دهد.

اسپرانتیست‌ها در حرفه‌های مختلف با علایق و سرگرمی‌های متنوع پراکنده‌اند. آنها سازمان‌های زیادی را بر اساس علایق خود برای سازماندهی فعالیت‌هایشان تأسیس کرده‌اند. در حال حاضر، بیش از ۶۰ انجمن بین‌المللی اسپرانتو با انجمن جهانی اسپرانتو همکاری می‌کنند. اما آنها پذیرش اعضای غیر اسپرانتیست را در نظر نگرفته‌اند.

اسپرانتودانان باید توجه خود را بر عموم مردم متمرکز کنند. نه تنها اسپرانتودانان، بلکه سایر افراد نیز باید از اسپرانتو بهره‌مند شوند. این همچنین راهی مؤثر برای ترویج اسپرانتو در بین عموم است.

محتوای غیر اسپرانتو می‌تواند به رویدادهای فراملی اسپرانتو مانند کنگره جهانی اسپرانتو، که از افراد غیر اسپرانتو زبان استقبال می‌کند، با یک سرویس ترجمه اسپرانتو برای عموم اضافه شود. این به افرادی که فقط به زبان مادری خود صحبت می‌کنند، این فرصت را می‌دهد که با افراد دیگر با افکار و فرهنگ‌های مختلف تماس بگیرند. در عین حال، ارزش اسپرانتو را به عموم نشان می‌دهد و نفوذ اسپرانتو را گسترش می‌دهد.

انجمن‌های حرفه‌ای اسپرانتو می‌توانند به سایر انجمن‌های حرفه‌ای بین‌المللی بپیوندند و اعضای انجمن‌های حرفه‌ای اسپرانتو می‌توانند به عنوان یک اسپرانتودان به انجمن‌های حرفه‌ای ملی یا محلی مرتبط بپیوندند. در این انجمن‌های غیر اسپرانتودان، اسپرانتودانان می‌توانند به انجمن‌ها کمک کنند تا از طریق زبان اسپرانتو با انجمن‌های خارجی با همین علاقه تماس بگیرند.

هنگام برگزاری رویدادهای اسپرانتو که در آن شرکت‌کنندگان خارجی حضور دارند، انجمن‌ها و باشگاه‌های اسپرانتو می‌توانند از قبل در وبسایت‌ها یا رسانه‌های محلی اطلاعات را اعلام کنند تا افراد عادی محلی را که قادر به صحبت به زبان‌های خارجی نیستند، جذب و از آنها استقبال کنند تا بتوانند با مهمانان خارجی با فرهنگ‌های مختلف تماس بگیرند.

هنگام سفر به خارج از کشور، اسپرانتوزبانان نباید فقط با اسپرانتوزبانان محلی تماس بگیرند. آنها می‌توانند با جامعه محلی در مورد موضوعات جالب ارتباط برقرار کنند، در حالی که اسپرانتوزبانان محلی می‌توانند ترجمه زبان را ارائه دهند تا عموم مردم سودمندی اسپرانتو را درک کنند.

با گشودن در حلقه‌ی اسپرانتو، اسپرانتوزبانان قطعاً راه‌های دیگری را پیدا خواهند کرد که اسپرانتو می‌تواند از طریق آنها توجه بیشتری از عموم را به خود جلب کند و از طریق راه‌های دیگری که اسپرانتو می‌تواند به طور مؤثر در دنیای امروز نقش ایفا کند.

زبان یک پل است و علاوه بر این، اسپرانتو پلی از دوستی و ارتباط است. این پل توسط دکتر زامنهوف طراحی شده و بیش از ۱۰۰ سال است که به طور مشترک توسط اسپرانتوزبانان در سراسر جهان ساخته و نگهداری می‌شود.

اما روی این پل، نه تنها اسپرانتوزبانان باید عبور کنند، بلکه افراد دیگری، یعنی افراد بیشتری نیز باید عبور کنند. اسپرانتودانان باید به مردم کمک کنند تا از مانع زبانی عبور کنند، تا بتوانند به دنیای وسیع‌تری نگاه کنند و به آن راه یابند!

Tehrana Metroo: La Vejno de Giganta Urbo



Teherana Metroo: Pionira Transporta Sistema en Irano

En la koro de Irano, la urbo Teherano, kun sia pli ol 15 milionoj da loĝantoj, estas konstante moviĝanta. la Tehrana Metroo funkcias kiel la esenca vejno de la urbo, transportante milionojn da homoj ĉiutage. Ĝi estas unu el la plej modernaj kaj efikaj metroaj sistemoj en la Mezoriento. Ĝi estas bone organizita publika transporta sistemo en la ĉefurbo de Irano kiu servas milionojn da pasaĝeroj ĉiutage kaj ludas gravan rolon en la malpliigo de trafikŝtopiĝo kaj poluo en la urbo.

Historio: De Planado al Realo

La ideo pri metroo en Teherano devenas de la 1970-aj jaroj. Tamen, pro la Irana Revolucio en 1979 kaj poste la Iran-Iraka Milito, la konstruado efektive komenciĝis nur en la 1990-aj jaroj. La unua linio (Linio 5) estis malfermita en 1999, sed la vera disvolviĝo okazis dum la unua jardeko de la 21-a jarcento. Hodiaŭ, ĝi estas vasta reto, kiu daŭre kreskas por servi al la ĉiam kreskanta loĝantaro.

La Reto de Linioj

La metroo de Teherano konsistas el ok linioj (nomitaj per numeroj), kiuj kovras la urbon kaj ĝiajn antaŭurbojn. Jen superrigardo:

Linio 1 (ruĝa): Tiu estas la plej longa linio, iranta norde-sudene. Ĝi konektas la distrikton Taĝriŝ en la nordo al la urbo Rej en la sudo.

Linio 2 (blua): Veturas oriente-okcidentene, konektante la distrikton Sadegije en la okcidento al la distrikto Farhangsara en la oriento.

Linio 3 (helblua): Alia nord-suda linio, pli norde ol Linio 2.

Linio 4 (flava): Kuras de nordokcidento al okcidento,

Linio 5 (verda): La unua subtera kaj surtera linio, kiu konektas Teheranon kun Karaj, grava urbo apud la ĉefurbo.

Linioj 6 (rozkolara) kaj 7 (purpura): Pli novaj linioj, kiuj ampleksigas la servojn kaj plibonigas la transportan sistemon.

Ĉiu stacio estas ekipita per modernaj instalaĵoj, inkluzive de biletejoj, atendareoj, kaj informaj paneloj por helpi pasaĝerojn trovi ilian vojon.

Specifoj kaj Interesaĵoj

La Tehrana Metroo havas plurajn rimarkindajn trajtojn:

Grandega Kapacito: Ĝi transportas pli ol 3 milionojn da pasaĝeroj ĉiutage, helpante malpliigi la trafikŝtopiĝon signife.

Sekciigitaj Vagonoj: La metroo havas apartajn vagonojn rezervitajn ekskluzive por virinoj. Ĉi tio estas kutimo en multaj publikaj transportoj en Irano.

Pureco kaj Efikeco: La stacioj kaj vagonoj estas ĝenerale tre puraj, sekuraj kaj bone prizorgataj. La trajnoj veturas laŭ regulaj intervaloj.

Kosto: La prezo por vojaĝo estas tre malalta kompare kun eŭropaj urboj, farante ĝin alirebla por ĉiuj sociaj tavoloj.

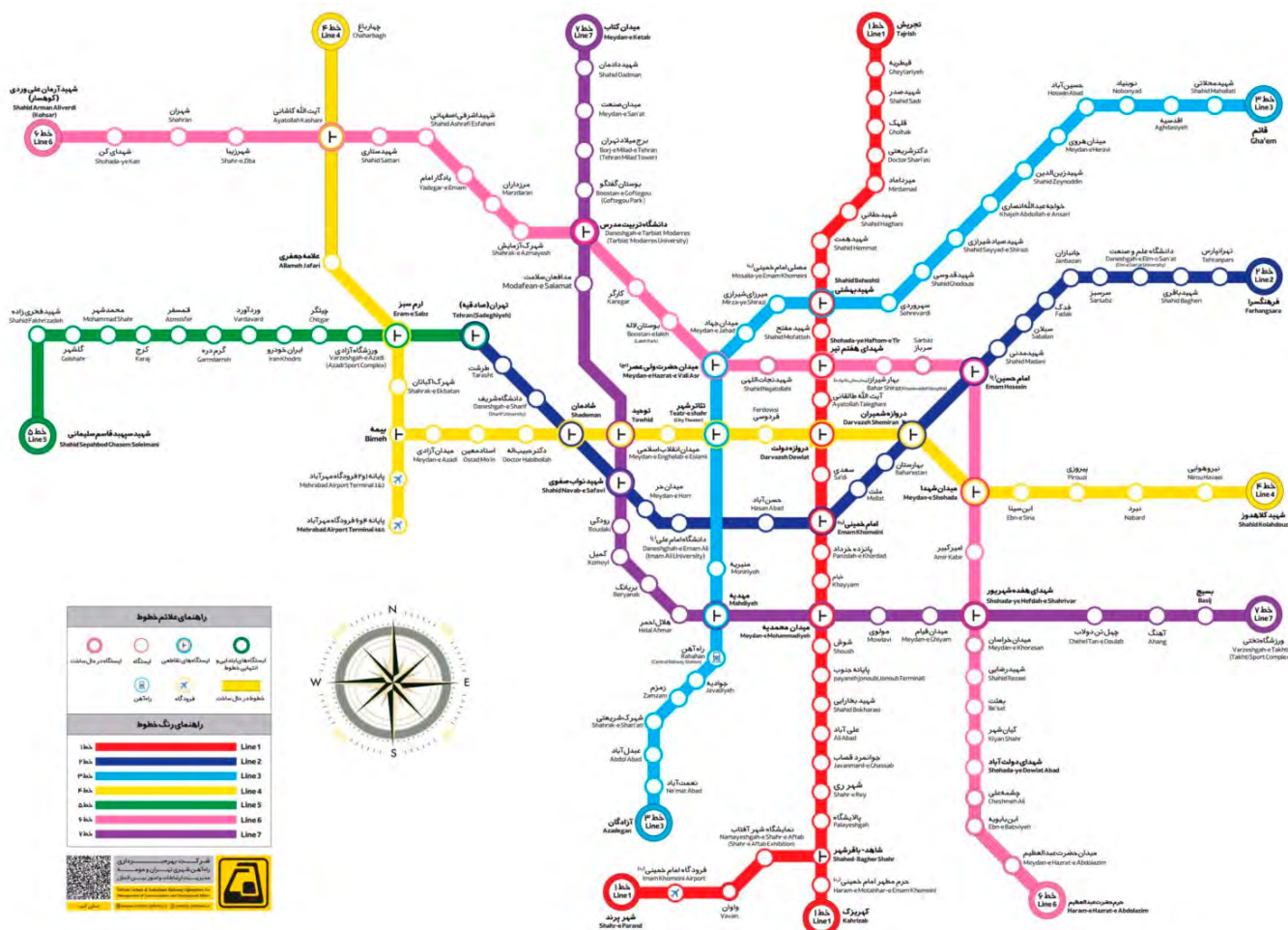
Arto kaj Arkitekturo: Multaj stacioj estas ornamitaj per bela arkitekturo, mozaikoj, ceramikaĵoj kaj artaĵoj, montrante la riĉan historian kaj kulturaron de Irano.

Estonteco

La reto daŭre etendiĝas. Novaj linioj estas planataj kaj konstruataj por kovri pli da kvartaloj kaj antaŭurboj, por plibonigi la viveblecon en la megaurbo.

Por la Vojaĝanto

Se vi vizitos Teheranon, uzi la metroon estas sendube la plej efika maniero moviĝi tra la urbo. Aĉetu reŝargablan karteton en iu ajn stacio kaj ĝuu la veturadon tra la subtera vejno de Irana ĉefurbo.





پادشاه، کشاورز و چهار حقیقت

Reĝo, Kultivisto kaj Kvar Veroj

Iam, en fora lando, regis reĝo, kiu posedis tiom da riĉeco kaj potenco kiom li havis de malfido.

La reĝo havis belegan filinon nomitan Izabela, kun haroj koloraj kiel la nokto kaj okuloj koloraj kiel la mateno. Sed ombro kuŝis sur la koro de la reĝo: li timis, ke antaŭ ol la filino edziniĝos, morto vizitos lin, kaj liaj propraj fratoj forprenos la kronon de Izabela.

Pro tio li ne fidis iun ajn. Eĉ liajn maljunajn konsilistojn li rigardis kun suspekto, ĉar li aŭdis, ke en tiuj tagoj frato povis, pro la trono, kiel lupro ataki sian fraton.

En nebula nokto, la reĝo sonĝis, ke maljuna saĝulo alproksimiĝis al li. La maljunulo vestis sin per griza mantelo kaj havis bastonon el la seka ligno de antikva arbo. Li diris:

Ho reĝo, via sorto ligiĝas al kvar saĝecoj. Se vi konos tiujn kvar, via filino restos sekura; se ne, vi havos

rozi روزگاری در سرزمینی دور پادشاهی فرمان می‌راند که همان قدر که ثروت و قدرت داشت بی‌اعتمادی هم داشت. پادشاه دختری زیبا به نام ایزابلا داشت، با موهایی به رنگ شب و چشمانی به رنگ صبح. اما سایه‌ای بر دل پادشاه افتاده بود او می‌ترسید که پیش از ازدواج دخترش مرگ به سراغش بیاید و برادران خودش تاج و تخت را از دست ایزابلا بگیرند.

از آن رو هیچ‌کس را لایق اعتماد نمی‌دانست. حتی مشاوران سالخورده‌اش را با شک نگاه می‌کرد، چون شنیده بود که در آن روزگار برای تاج و تخت برادر می‌تواند چون گرگ به برادر بتازد یک شب مه‌آلود پادشاه در خواب دید که پیر دانایی به او نزدیک شد. پیرمرد ردایی خاکستری به تن داشت و عصایی از چوب خشک درختی کهن او گفت: ای پادشاه سرنوشت تو بسته به چهار دانایی است. اگر این چهار را بدانی دخترت از گزند در امان می‌ماند و اگر ندانی وارثی جز گرگ نخواهی

neniun heredanton krom lupoj.

La reĝo rapide demandis:

Kio estas tiuj kvar saĝecoj?

Sed la maljunulo, anstataŭ respondo, prezentis enigmon:

Kio estas pli grandioza ol la ĉielo?

Kio estas pli vasta ol la tero?

Kio estas pli varmega ol fajro?

Kio estas pli sendependa ol la maro?

La reĝo vekigis kaj tuj en la haloj de la palaco kunvokis la grandulojn, poetojn, militistojn kaj pastraron. Ĉiu donis respondon, sed neniun trankviligis lian koron.

Jaroj pasis, ĝis en unu vespero, irante tra fora vilaĝo, li trovis sur malplena kampo junan kultiviston, kiu faskigis tritikon per siaj terpikitaj manoj. La junulo havis simplan vizaĝon, sed en liaj okuloj kuŝis tia trankvilo kaj profundo kvazaŭ li jam vidis kaj pezis la tutan mondon.

La reĝo malkaŝis sian zorgon kaj promesis grandan rekompencan al tiu, kiu helpas lin.

Sen hezito, la junulo respondis:

Ho reĝo, tio, kio estas pli grandioza ol la ĉielo, estas malvera kalumnio; ĉar tiu silenta veneno povas makuli bonan nomon eĉ trans la horizonto kaj krei fendojn kie estu unueco.

Kaj tio, kio estas pli vasta ol la tero, estas vero; ĉar ĝi radikas en aŭtenteco kaj kie ajn vi paŝos, ĝiaj semoj elkreskos en koroj, riparante fendojn.

Sed io ekzistas pli varmega ol fajro, kaj tio estas avideco; ĉar fajro nur cindrigas domojn kaj korpojn, sed avideco prirabas la veron el la koroj kaj anstataŭigas ĝin per malamikeco.

Kaj la lasta estas kontentiĝo; ĉar se iu havas kontentan koron, avideco ne eniros lin, vero estos gardata en lia animo, kaj lia lango neniam turniĝos al malvera kalumnio; tiel li estos eĉ pli sendependa ol la maro.

La reĝo miregis pri la respondoj kaj sentis kvazaŭ ia pezo malleviĝis de lia brusto. La saman nokton, la saĝulo reaperis en sonĝo kaj diris:

Tiu junulo estos la plej bona helpanto por via filino.

Morgaŭe, la reĝo invitis la junulon al la palaco. Pasintaj monatoj, Izabela, kiu de malproksime nur aŭdis lian nomon, iom post iom renkontis lin en ĝardenoj kaj haloj; kaj per ĉiu renkonto ŝi ekkomprenis, ke li estas la plej bona reganto, kiun la lando povus havi.

En la sekva printempo, kiam la floroj ankoraŭ portis la odoraĵon de nokta pluvo, ilia geedziĝa festo estis aranĝita.

Ekde tiam, la lando restis en paco dum multaj jaroj, kaj la homoj vivis bone kaj feliĉe sub la ombro de tiu regado

داشت

پادشاه با شتاب پرسید: آن چهار دانایی چیست؟

پیرمرد به جای پاسخ معما طرح کرد:

۱. چه چیز از آسمان عظیم تر است؟

۲. چه چیز از زمین پهناورتر است؟

۳. چه چیز از آتش داغ تر است؟

۴. چه چیز از دریا بی نیازتر است؟

پادشاه از خواب بیدار شد و از همان دم در تالارهای قصر، بزرگان، شاعران، جنگاوران و روحانیون را گرد آورد. هر کس پاسخی داد، اما هیچ یک دلش را آرام نکرد.

سال ها گذشت تا آنکه در یک روز غروب زده به دهکده ای دور افتاد و میان مزرعه ای خالی جوانی کشاورز را دید که گندم ها را با دست های خاک آلود دسته می کرد. جوان چهره ای ساده داشت اما چشمانش آن چنان آرام و عمیق بود که گویی سال هاست دنیا را دیده و سنجیده.

پادشاه دلش را گفت و وعده داد هر که او را یاری کند پاداشی بزرگ خواهد یافت. جوان بی هیچ درنگ پاسخ داد: ای پادشاه آنچه از آسمان عظیم تر است تهمت به ناحق است؛ زیرا این زهر بی صدا می تواند نام نیک را حتی آن سوی افق ها لکه دار کند و شکاف بیافریند در جایی که باید به هم نزدیک بود.

و آنچه از زمین وسیع تر است حق است؛ چرا که ریشه در اصالت دارد و هر جا که پا بگذاری بذرش در دل ها جوانه می زند و شکاف ها را ترمیم می کند.

اما چیزی از آتش داغ تر نیز هست و آن طمع است؛ زیرا آتش تنها خانه و جسم را خاکستر می کند اما طمع حق را از دل ها می رباید و جای آن را با دشمنی پر می کند.

و آخری هم قناعت است که اگر کسی دل قانع داشته باشد، طمع در او راه ندارد، حق در وجودش پاس داشته می شود و زبانش هرگز به تهمت ناحق نمی چرخد و این چنین حتی در از دریا هم بی نیاز تر خواهد بود.

پادشاه از پاسخ ها شگفت زده شد و احساس کرد باری از روی سینه اش برداشته اند. همان شب در خواب دوباره پیر دانا آمد و گفت:

این جوان بهترین یاری رسان برای دخترت خواهد بود صبح روز بعد پادشاه جوان را به قصر فراخواند. ماه ها گذشت و ایزابلا که از دور تنها نام او را شنیده بود کم کم او را در باغ ها و تالارها دید و با هر دیدار دریافت که او بهترین فرمانروایی است که می تواند این سرزمین داشته باشد.

سال بعد در بهاری که شکوفه ها هنوز بوی باران شبانه داشتند جشن ازدواجشان برپا شد.

از آن پس سرزمین سال ها در آرامش ماند و مردمان زیر سایه این سلطنت به خوبی و خوشی زندگی کردند.



Amikeco, Kiu Transiras Limojn

Hamzeh Shafiee

Karaj amikoj;

En la mezo de tiuj teruraj tagoj de konflikto en nia lando, kiam maltrankvileco pri la estonteco plenigis ĉiun, mi spertis ion vere eksterordinaran. Mi volas rakonti al vi pri ĝi.

Kiam la interreto estis blokita en Irano pro la milito, mia familio forlasis la ĉefurbon kaj iris al nia gepatra vilaĝo. Tiam ni sentis nin tre izolitaj. Mi ne povis sciigi pri miaj eksterlandaj amikoj, kaj ili certe ne povis scii pri ni. Sed kiam fine, post tiuj longaj tagoj, la reto revenis, mi trovis mian retpoŝt-keston plenplena je mesaĝoj! Mi malfermis ĝin kaj preskaŭ ploris. Mesaĝoj, unu post alia, de samideanoj el la tuta mondo, kiuj skribis nur por demandi: "Ĉu vi estas sana? Ĉu via familio estas sekura?".

Inter ili, estis mesaĝoj ankaŭ el Japanio. La vortoĵ de miaj japanaj Esperantistoj estis tiel varmaj kaj sinceraj. Unu el ili, eĉ sendis al mi belan desegnaĵon kiel donaco por kuraĝigi min. Imagu: nekonatulo en Japanio, tre malproksime, prizorgas pri nia stato en Irano kaj sendas amon per arto. Tio vere tuŝis mian koron.

Ĉi tiu sperto pruvis al mi denove, ke Esperanto estas multe pli ol simpla lingvo. Ĝi estas familio. Per ĝi, ni en Irano povas senti ke ni ne estas solaj. Ni havas verajn amikojn en la alia flanko de la mondo, en landoj kiel Japanio, kiuj komprenas kaj subtenas nin.

Al ĉiuj samideanoj tra la mondo, precipe tiuj, kiuj sendis al mi mesaĝojn, mi kore dankas. Tiuj mesaĝoj post tiuj malfacilaj tagoj estis la plej granda kuraĝigo por ni. Tiu bela desegnaĵo nun estas la fono de mia tekkomputilo kaj ĉiutage memorigas al mi, ke spite ĉiu malbono, ekzistas ankoraŭ amo kaj vera solidareco en la mondo. Ni kune laboru por paco.

دوستی، فراسوی مرزها

حمزه شفیعی

دوستای عزیز،

می‌خوام براتون از یک اتفاق قشنگ در روزهای سخت بگم. درست در اوج درگیری‌های اخیر و روزهایی که اینترنت در ایران قطع بود، من و خانواده‌ام به شدت احساس نگرانی، تنهایی و انزوا می‌کردیم. نمی‌توانستیم با کسی در ارتباط باشیم و نگران بودیم که دوستانمون در خارج از کشور چه حالی هستند.

اما وقتی اینترنت دوباره وصل شد، با صحنه‌ای فوق العاده روبرو شدم. صندوق پیام‌هایم پر بود از محبت و نگرانی دوستان اسپرانتیست از همه جای دنیا. همه فقط یک سوال داشتند: "حالتون خوبه؟ خانواده سالم هستند؟".

بین این همه پیام، پیام‌های اسپرانتودانان ژاپنی خیلی برایم تأثیرگذار بود. یکی از اسپرانتودانان ژاپنی که من به یاد ندارم دیده باشم یا قبلاً با او مکاتبه‌ای داشته باشم، یک نقاشی زیبا برام فرستاده بود تا دلگرمم کنه. فکرش رو بکنید: یک نفر در کشوری دیگر، بدون اینکه من را بشناسه، آن سوی دنیا، اینقدر نگران ما در ایران که با یک نقاشی محبتش رو نشون می‌ده. چه حس قشنگی بود! تصاویری که در بالای صفحه می‌بینید همان نقاشی‌هایی هست که ایشان فرستاده بودند.

این برام دوباره ثابت کرد که اسپرانتو فقط یک زبان نیست؛ یک خانواده جهانی است. به خاطر این زبان، ما در ایران احساس نمی‌کنیم که تنها هستیم. ما دوستانی واقعی در سراسر دنیا داریم که ما رو درک می‌کنند و هومون رو دارند.

از همه اسپرانتیست‌های جهان، مخصوصاً اونهایی که برام پیام فرستاده بودند صمیمانه تشکر می‌کنم. اون پیام‌ها بعد از اون روزهای سخت، بزرگ‌ترین دلگرمی برای ما بود. اون نقاشی زیبا الآن زمینه دسکتاپ لپ‌تاپمه و هر روز بهم یادآوری می‌کنه که در کنار همه بدی‌ها، هنوز محبت و همبستگی واقعی در دنیا وجود داره. بیایید با هم برای صلح تلاش کنیم.



«دوره آموزشی زبان جهانی»

اسپرانتو

در سه سطح :

مقدماتی، متوسط، پیشرفته

مدرس :



جناب آقای مهندس احمد رضا ممدوحی

- عضو کمیته انجمن اسپرانتوی ایران
- رئیس اتحادیه جهانی مدرّسین اسپرانتو (ILEI)

برگزارکننده : مجموعه شبکه‌های مجازی آموزش زبان

جناب آقای مهندس سجاد بهجت

کانال انجمن



- * شروع کلاس‌ها از ۹ شهریورماه ۱۴۰۴
- * جهت کسب اطلاعات بیشتر به کانال رسمی انجمن اسپرانتوی ایران در پیام‌رسان تلگرام مراجعه کنید .
@ Irana_Esperanto_Asocio

رایگان

جلسات ضبط شده هر سه دوره در این سه لیست پخش آپارات قابل مشاهده و دانلود هستند:

دوره‌ی پیشرفته:

<https://www.aparat.com/playlist/22076844>

دوره‌ی متوسطه:

<https://www.aparat.com/playlist/22030093>

دوره‌ی مقدماتی:

<https://www.aparat.com/playlist/22020996>

Sentama homamas'

(Alain Souchon, 1993)

Ho lala la roza viv'
Roze proponas al ni
La varojn por havi,
Kiu logas al ali'
Jen oni kredigas nin
Ke feliĉo 'stas en hav'
Havaĵo amase en ŝrank'
Ho vanta vantaĵ' pri ni, ĉar

(rekantaĵo :)

Sentama homamas'
Soifas pri ideal'
Logata de l'steloj, veloj
Nur aferoj nevaraj.
Sentema homamas'
Ve kiel oni traktas nin,
Ja traktas nin.

Rampiĝas el
Tiuj kartonkestoj ve
Forlavaj sen ebla uz'
Homoj, sen gaj' sen avantaĝoj.
Trudaj al ni
Deziroj afliktantaj nin
Traktakaj ni - fek ! - estas de, ke
Naskiĝis ni,
Kiel fekulojn, dum 'stas ni
La

Sentama homamas'
Soifa pri ideal'
Logata de l'steloj, veloj
Nur aferoj nevaraj.
Sentema homamas'
Ve kiel oni traktas nin,
Ja traktas nin.

Ili nin Klaŭdja Ŝifer-(1)
as, nin Pol-Lu Sulicer'(2)
Kiom malbon' al ni l'far'
Rustigis l'virinon el fer'
El Ĉiel' al
Ni sopir' venas alval'
Al futur' infana pal'
Plibono, revo, ĉeval'

(al rekantaĵo)

(1) Claudia Schieffer
(2) Paul-Loup Sulitzer

esperantigis: Roland Platteau

Ni ridu kune



يا هم بخنديم



Patro: Filo mia, ĉiufoje kiam vi ĝenas min, unu el miaj haroj fariĝas blanka.
Filo: Do tial ĉiuj haroj de avĉjo fariĝis blankaj?!

پدر : پسر هروقت من رو اذیت می کنی یکی از موهای سرم سفید می شه.
پسر: پس برای همین بابا بزرگ تمام موهایش سفید شده؟!

Virino: Mi estis de longe for por aĉetado, kiam mi revenis hejmen, mi diris al mia edzo: "Vi povus telefoni, por demandi kiel mi fartas."
Viro: Li montris al ŝi la SMS-ojn de la banko kaj diris: "Mesaĝoj pri via sano venadis senĉese."

خانومه خیلی وقت بود رفته بود خرید، وقتی میرسه خونه به شوهرش میگه: یه زنگی می زدی، حالو می پرسیدی.
شوهره پیامکهای بانک رو نشونش میده و میگه: پیامهای سلامتیت دائم میومد

Unua: Ĉu vi kontentas pri la aŭto, kiun vi aĉetis?
Dua: Mi mem ne, sed la mekanikisto ĉe la strat-angulo tre kontentas!

اولی : از ماشینی که خریدی راضی هستی ؟
دومی : خودم نه ولی مکانیک سر کوچه خیلی راضیه !

Iu demandas: Kiam estas via naskiĝtago?
Li respondas: La 5-an de decembro.
Ili demandas: En kiu jaro?
Li respondas: Ĉiun jaron, kompreneble.

به یه نفر میگن : تولدت کیه؟
میگه: ۵ دسامبر
میگن چه سالی؟
میگه: هر سال دیگه

Virino diras al sia edzo: Kial vi ne diris antaŭ la geedziĝo, ke vi estas tiel malriĉa kaj kompatinda?
Viro respondas: Mi ja diris al vi, ke en la mondo mi havas nenion krom vi, sed vi tiam estis feliĉa kaj ridis.

زنه به شوهرش میگه:
چرا قبل از ازدواج نگفتی اینقدر فقیر و بی چیزی؟
مرد میگه: من که بهت گفتم توی دنیا غیر از تو هیچی ندارم ولی تو خوشحال بودی و می خندیدی.



قدرت فیلم‌ها

مترجم: زهرا نوبختی

باید کلیپ ویدئویی یا فیلم کوتاه بسازند.

این امر می‌تواند در مورد معرفی زبان بین‌المللی ما، اسپرانتو، نیز صدق کند. زندگی خود زامنهوف، آغازگر زبان اسپرانتو، ایده‌ای جالبی برای این فیلم‌های جدید ارائه می‌دهد. به عنوان مثال، در اینجا به برخی از صحنه‌های دیدنی چنین فیلم‌هایی اشاره می‌کنیم:

۱. لودویک کوچولو با دوستانش در مدرسه به اسپرانتو به‌عنوان زبان محرمانه صحبت می‌کند.
۲. زامنهوف، پس از اتمام تحصیل در دانشگاهی در مسکو و بازگشت به شهر خود، می‌بیند که دست‌نوشته‌هایش درباره‌ی اسپرانتو توسط پدرش سوزانده شده‌اند.
۳. دکتر زامنهوف بیماران فقیر را رایگان ویزیت می‌کند.
۴. زامنهوف پول کافی برای سفر به همایش‌های جهانی زبانی که خود او آن‌را ساخته است، ندارد.

همچنین اسپرانتیست سوئیسی دکتر ادموند پریوا (۱۸۸۹-۱۹۶۲) زندگی بسیار جالبی داشته است که شایسته فیلم‌سازی است. به عنوان مثال، او تنها ۱۷ سال داشت که یکی از برگزارکنندگان اصلی دومین همایش جهانی اسپرانتو در ژنو بود. در لوزان در سال ۱۹۳۱ او سخنرانی گاندی را سازمان‌دهی کرد که بعدها دوست نزدیک او شد.

شصت سال پیش، در سال ۱۹۶۴، اولین فیلم بلند تماماً به زبان اسپرانتو، ساخته شد: «اضطراب‌ها» (Angoroj). این فیلم توسط اسپرانتیست فرانسوی ژاک-لوئی ماهه (Jacques-Louis Mahé) ساخته شد. این فیلم داستانی جنایی است و نشان می‌دهد که انتقام‌جویی چقدر می‌تواند خطرناک باشد.

اسپرانتیست‌های مشهوری در این فیلم بازی کردند. در میان آنها ریموند شوارتز، گاستون وارینگین و میشل دوک-گونیناز جوان قرار داشتند. متأسفانه این فیلم از نظر اقتصادی چندان موفق نبود و ماهه پول زیادی به‌خاطر ساختن آن از دست داد. او از ناراحتی زیاد تقریباً تمام نسخه‌های فیلم را نابود کرد. خوشبختانه همه‌ی آنها را نابود نکرد و اسپرانتیست‌ها هنوز هم می‌توانند فیلم «اضطراب‌ها»ی او را تماشا کنند.*

اغلب گفته می‌شود: «یک عکس ارزش هزار کلمه را دارد.» پس می‌توان تصور کرد که یک فیلم خوب که متشکل از میلیون‌ها عکس است و جایگزین کلماتی بی‌شمار، چقدر می‌تواند قدرتمند باشد!

به گفته مارک پرنسکی، کارشناس آموزش و پرورش و نویسنده‌ی آمریکایی که به روش‌های آموزشی مدرن علاقه‌مند است، در حال حاضر کلیپ‌های ویدئویی یا فیلم‌های کوتاه مؤثرترین وسیله برای ارائه و انتشار ایده‌های مختلف هستند. به همین دلیل او معتقد است که اکنون دانش‌آموزان ما به جای تهیه‌ی متون مکتوب (نوشتن مشق)، به عنوان تکلیف،

همچنین درباره زندگی و سفرهای کاشف و نویسنده مشهور یوگسلاوی، تیبور سِکی (۱۹۱۲-۱۹۸۸)، می‌توان فیلم‌های بسیار دیدنی ساخت.

هدف ما باید ساختن یا سازاندن فیلم‌هایی باشد که جوایز بین‌المللی را در جشنواره‌های معروف فیلم مانند جشنواره‌های ونیز، کن، برلین، لس‌آنجلس، تورنتو و مانند آن‌ها دریافت کنند. چنین موفقیتی گام بزرگی برای معرفی مؤثر اسپرانتو در سراسر جهان خواهد بود. به قول یک شعر فارسی: «هنر بهتر از گوهر آمد پدید!».

برای رسیدن به این هدف، شاید روندی شبیه و شامل موارد زیر کمک کند:

۱. از سازمان‌های مختلف اسپرانتو و علاقه‌مندان دعوت کنیم تا گروهی برای همکاری و حمایت از این پروژه تشکیل دهند.

۲. این گروه یک مسابقه‌ی بین‌المللی برای فیلم‌نامه‌های مربوط به زبان اسپرانتو ترتیب دهد.

۳. بهترین فیلم‌نامه‌های این مسابقه به فیلم‌نامه‌نویسان معروفی که قبلاً برنده‌ی جوایز مهم شده‌اند تحویل داده شود تا بر اساس آنها فیلم‌نامه‌های جذابی بنویسند.

۴. از کارگردان‌های معروف جهان برای ساختن فیلم برپایه‌ی این فیلم‌نامه‌ها دعوت کنیم.

برای نمونه، در حال حاضر فیلم‌های زیادی درباره نوابغ دنیا وجود دارد، برای مثال فیلم «ذهن زیبا» درباره جان نش، ریاضی‌دان برجسته‌ای است که در سال ۱۹۹۴ جایزه‌ی نوبل اقتصادی را دریافت کرد. اما نش به تنهایی برنده نشد. او این جایزه‌ی نوبل را به همراه دو نفر دیگر دریافت کرد - که یکی از آنها اسپرانتیست معروف، پروفیسور راینهارد زلتن (۱۹۳۰-۲۰۱۶) بود که بعدها حامی افتخاری سازمان جهانی اسپرانتو یا UEA نیز شد. اگر فیلمی درباره نش ساخته شده است، چرا درباره هم‌برنده‌ی او، راینهارد زلتن، فیلمی ساخته نشود؟

توضیح از احمد ممدوحی:

• این لینک تماشای فیلم «اضطراب‌ها» است.

<https://www.youtube.com/watch?v=hBD3zyh55Pg>

اگر می‌خواهید آن را با زیرنویس تماشا کنید، روی چرخ‌دنده‌ی زیر آن کلیک کنید تا زبان خود را انتخاب کنید (دکمه چهارم از سمت راست). سپس روی دکمه پنجم از سمت راست کلیک کنید تا زیرنویس پدیدار شود.

منبع مقاله:

<https://uea.facila.org/artikoloj/opinioj/la-potenco-de-filmoj-r456/>

ABNA

همه اخبار | اخبار جهان | اخبار ایران | چندرسانه‌ای | معارف و سبک زندگی | اخبار مجمع | نشست‌ها و مصاحبه‌ها

مجموعه‌های: معارف و سبک زندگی | اخبار نخبه‌مندیونوکلار

انتشار نخستین ترجمه «دعای فرج» به زبان اسپرانتو در آستانه اربعین حسینی

۲۲ مرداد ۱۳۹۴ - ۲۴ شهریور ۱۳۹۴ - ۱۷۱۶۶۴۸



نخستین ترجمه «دعای فرج» به زبان اسپرانتو برای استقامه مخاطبان جهانی، انتشار یافت.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی اهل بیت (ع) - ایما - نخستین ترجمه «دعای فرج» به زبان بین‌المللی اسپرانتو همزمان با ایام اربعین حسینی منتشر شد.

این ترجمه بر اساس متن ترجمه شده فارسی دعای فرج با هدف معرفی فرهنگ انتظار و دعا برای ظهور حضرت مهدی (عج) به مخاطبان جهانی و اسپرانتیست زبان‌ها آماده شده است.

زبان اسپرانتو زبانی ساخته‌شده و بی‌طرف است که در اواخر قرن نوزدهم توسط دکتر لادوویگ لازاروس زامنهوف ایجاد شد و امروزه در بیش از ۱۲۰ کشور دارای گویشور است.

دعای فرج از مشهورترین دعاها شیعیان برای سلامتی و تعجیل در فرج حضرت ولی‌عصر (عج) است. متن ترجمه‌شده این دعا در اسپرانتو بدین شرح است:

پشم قلعه الزکمرن الراجیم
به نام خداوند بخشنده مهربان
En la nomo de Dio, la Plej Korpa, la Plej Favora
اللهم كن لوليك الخيرة بن الحسن
خدايا، ولي ات حضرت خيرة بن الحسن
Dio, via protekto, la Sinjoro Hulpato bin Hasan
خداوندک عیبه و غی ایانه
که دروهای تو بر او و بر پدرانش باد
sur kiu estu Viaj benoj kaj prospero al ti, al ti, al ti, al ti
فی هذه الساعة و فی کل ساعة
در این لحظه و در تمام لحظات
en ti tiu momento kaj en ĉiuj momentoj
و اینها و در تمام اینها و در تمام اینها
سرپرست و نگاهدار و راعی و یاری گر و راهنما و دیدبان باش
Estu protekto, gardanto, gvidanto, helpanto, direkto kaj observanto
خداوند نگاهدار و راهنما
تا او را به صورتی که خواهی دوست ساکن زمین گردانیده
por ke Vi iĝu lin loĝi sur la tero tiel, tiel plaĉas al li
و گمانه‌ها فیها ظویرا
و مدت زمان طواری در آن بهره مند سازی
kaj ke Vi iĝu lin profiti el ĝi dum longa tempo

پایان پیام/۲۶۸

fa.abna24.com/kjBYF

انجمن اسپرانتوی ایران، نماینده رسمی برای اشتراک مجله موناتو

نحوه اشتراک و مبلغ آبوهان



- نسخه کاغذی: مبلغ آبوهان سالانه برای نسخه کاغذی و ارسال زمینی ۴۱ یورو است که برای ارسال هوایی مبلغ ۳ یورو به آن اضافه می‌شود.

- نسخه دیجیتالی: مبلغ آبوهان سالانه برای نسخه دیجیتالی ۲۴ یورو است. این نسخه شامل دسترسی به نسخه‌های دیجیتالی مجله (PDF و EPUB) از طریق وبسایت رسمی موناتو می‌شود.

انجمن اسپرانتوی ایران از همه علاقه‌مندان دعوت می‌کند تا اشتراک مجله موناتو را تهیه کنند و از محتوای غنی این مجله منحصر به فرد لذت ببرند. برای اطلاعات بیشتر و اشتراک، لطفاً با انجمن اسپرانتوی ایران به آدرس info@espero.ir تماس بگیرید. به یاد داشته باشیم که اشتراک نشریات اسپرانتوزبان، علاوه بر بالا بردن سطح آگاهی خودمان، کمک و مساعدت برای ادامه حیات این نشریات نیز هست.

روشنی درون

«La Lumo en la Fino»

ترجمه از اسپرانتو: الهام رحمانی

En mondo kie ĉio ŝajnis griza kaj senkolora, vivo estis malfacila por la homoj. Laŭ la vojo de ĉiuj, homoj iris en silento, portante siajn lastajn fortojn kaj sperojn, sed nenio ŝajnis ŝanĝi.

Unu tagon, juna viro nomata Samuelo decidis, ke li volas trovi ion, kio povus rompi tiun senkolorrecon. Li sekvis longan vojon, kiu kondukis al montaro kie la lumo ne atingis. Li iris sola, sentante la pezon de siaj paŝoj sur la malmola tero

Post longa vojaĝo, li atingis malgrandan kavernon, en kiu li trovis lumon, kiu ne venis de la suno. La lumo brilis flave, kvazaŭ ĝi havis propran vivon. La lumo ne estis en la aero nek sur la tero — ĝi estis en li mem.

Samuele sentis varmecon kaj forton, kiun li neniam sentis antaŭe. Li komencis vidi la mondon ne en grizo, sed en la koloro de ĉiu nova espero, kiu ekflamis en li. La lumo komencis disvastiĝi ĉirkaŭ li, ĝis ĝi atingis ĉiujn angulojn de la mondo. Kaj de tiam, homoj komencis denove sperti kolorojn kaj sonojn, ili komprenis, ke la lumo, kiun ili serĉis, estis ĉiam en ili. Ili nur bezonis trovi ĝin.

در جهانی که رنگ از آن رخت بر بسته بود و هر چیز در پرده‌ای از رنگ خاکستری گم شده بود، زندگی سخت و خاموش می‌گذشت. مردم در سکوت گام برمی‌داشتند، آخرین ذرات امید و توانشان را با خود می‌بردند، بی‌آن‌که نشانی از دگرگونی باشد.

تا آن‌که روزی، جوانی به نام ساموئل تصمیم گرفت چیزی بیابد که این پژمردگی را در هم بشکند. راهی دراز در پیش گرفت، مسیری که به دامنه‌ی کوهی می‌رسید که حتی پرتو نور نیز از آن روی می‌گرداند.

او تنها راه افتاد، گام‌هایش بر زمین سخت سنگینی می‌کردند، گویی هر قدم آمیخته با تردیدی پنهان بود. پس از سفری فرساینده، به غاری کوچک رسید؛ جایی که نوری پدیدار شد - نوری زردفام که نه از خورشید می‌آمد و نه از جهان بیرون. آن نور می‌درخشید، انگار جان داشت، اما نه در هوا بود و نه بر زمین... بلکه از درون خود او می‌تابید.

ساموئل گرما و نیرویی را در خود حس کرد که تا آن زمان برایش بیگانه بود. چشمانش دنیا را دیگرگونه دید - نه در سایه‌های خاکستری، بلکه در رنگ‌هایی که از هر جرقه‌ی امید در دلش زاده می‌شدند.

و نور، آرام آرام، از وجودش به پیرامون گسترش یافت، تا آن‌که به دورترین گوشه‌های جهان رسید.

از آن پس، مردم بار دیگر رنگ‌ها و صداها را احساس کردند. آنان دریافتند نوری که همواره در جستجویش بودند، در دل‌هایشان نهفته بوده است - نوری که فقط باید آن را می‌یافتند.

La Kverelo de la Lingvoj



دعوای زبان‌ها

Iam en fora biblioteko, kie la libroj dormis tage kaj vekigis nokte, okazis granda kunveno. La lingvoj mem – ne la libroj, sed la lingvoj en ili – kunvenis por decidi: Kiu estas la plej grava lingvo en la mondo?

La angla unue parolis.

"Kompreneble, mi estas la plej grava! Mi estas parolata en komerco, scienco, kino... Eĉ vi ĉiuj uzas min en la interreto!"

La franca ridetis elegante.

"Sed mi estas la lingvo de amo, de filozofio kaj poezio. Mi estas kulturo mem."

La ĉina (mandarena) diris kun digno:

"Mi havas la plej multajn parolantojn. Sen mi, vi ne povas paroli kun miliardo da homoj!"

La araba aldonis:

"Sed mi estas la lingvo de revelacioj kaj historio. Mi vivigas la pasintecon."

La hispana, rusa, germana... ĉiuj enmiksiĝis. Baldaŭ, la salono estis plena je kvereloj, kriadoj, kaj vortoj kiujn neniu plu komprenis.

Subite, malforta voĉo parolis:

"Ĉu mi povas diri ion?"

Ĉiuj silentis. En angulo staris juna, ne rimarkita lingvo. Ĝi ne portis kravaton kiel la angla, nek parfumo kiel la franca. Ĝi estis simpla sed hela.

"Mi nomiĝas Esperanto," ĝi diris. "Mi ne venas por regi, sed por kunligi. Mi ne estas kontraŭ vi, mi estas por ĉiuj."

La aliaj rigardis ĝin. Unue, kun suspekto. Poste... kun scivolemo.

"Ĉu vere vi ne volas anstataŭigi nin?" demandis la germana.

"Ne," diris Esperanto. "Mi volas ke vi ĉiuj daŭru ekzisti – sed ke homoj povu interkompreniĝi sen batali."

Kaj tiel, dum la nokto pasis, la lingvoj ne plu kriis. Ili eksidis, aŭskultis, kaj por la unua fojo... ili vere komprenis unu la alian.

روزی در کتابخانه‌ای دور جایی که کتاب‌ها روزها می‌خوابیدند و شب‌ها بیدار می‌شدند جلسه‌ای بزرگ برگزار شد. خود زبان‌ها – نه کتاب‌ها بلکه زبان‌هایی که در آن‌ها بودند – جمع شده بودند تا تصمیم بگیرند کدام زبان از همه مهم‌تر است؟

انگلیسی اول صحبت کرد: «بدیهی‌ست که من مهم‌ترینم در تجارت، علم، سینما حرف اول را می‌زنم حتی شماها هم در اینترنت از من استفاده می‌کنید.»

فرانسوی با ظرافت لبخند زد: «اما من زبان عشق، فلسفه و شعرم. من خود فرهنگ هستم»

چینی (ماندارین) با وقار گفت: «من بیشترین گویشور را دارم. بدون من نمی‌توانید با یک میلیارد انسان سخن بگویید.»

عربی افزود: «اما من زبان وحی و تاریخم. من گذشته را زنده می‌کنم.»

اسپانیایی، روسی، آلمانی... همگی وارد بحث شدند. بزودی سالن پر شد از داد و فریاد و کلماتی که دیگر کسی نمی‌فهمید

ناگهان صدای ضعیفی گفت: «می‌تونم چیزی بگم؟»

همه ساکت شدند در گوشه‌ای زبان جوان و نادیده‌ای ایستاده بود. نه کراوات انگلیسی را داشت نه عطر فرانسوی را. ساده بود اما درخشان. گفت: «اسم اسپرانتوئه. نیومدم تا حاکم بشم اومدم تا وصل‌کننده باشم بر ضد هیچ‌کدوم‌تون نیستم برای همه شما هستم.»

زبان‌ها با تردید و بعد با کنجکاوی نگاهش کردند.

آلمانی پرسید: «واقعاً نمی‌خواهی جای ما رو بگیری؟»

اسپرانتو گفت: «نه. می‌خوام شماها باقی بمونید – فقط مردم بتونن بدون جنگ همدیگه رو بفهمن»

و این‌گونه تا شب گذشت. زبان‌ها دیگر فریاد نزدند. نشستند، گوش دادند و برای اولین بار... واقعاً همدیگه رو درک کردند.



ٺاڻا ئيسپيرانٽو شڪستي هيٺاوه يان سهركهوتوو بووه؟

دهڪيڙيٽ. ته مهش به هڙي بلاو بوونه و هڙي ئيسپيرانٽيسٽه ڪانه به سه رانسهرى جيهاندا. هه موو ٺاڻياله جوانه ڪان ٺاڻينه دى. زياتر له ۱۳۰ سال له دهركهوتنى زمانى ئيسپيرانٽو تيپه ريوه له ڪاتيڪدا كه له هه موو جيهاندا له ڪومه لگه و سياسهت ، ٺابوورى و زانست و ته ڪنولورڙيا و بواره ڪانى تر گورانڪارى گه وره روويداوه، بويه ئيسپيرانٽو هيشتا نه يتوانيوه ببيت زمانى دووهه مى هه مووان. ئيسپيرانٽيسٽه ڪان دهبيت واقع قبول بڪن و خهون و وههم وهلا بنين و سهر له نوى ئيسپيرانٽو ٽاقي بڪنه وه و به ٺامانج و ستراتيڙى بزووتنه وهڙي ئيسپيرانٽو پيداچوونه وه بڪن و خويان له گهل بارودوخي ئيسٽادا بگونجيتن.

مروڻ ڪاٽى بانگه شه بڙ ئيسپيرانٽو دهبيت دهستبه ردارى ٺه و چاوه روانييه زور ٺاڻيداليانه بيت كه ئيسپيرانٽو ببيت زمانى دووهه مى هه مووان. ڪاٽى ناساندنى ئيسپيرانٽو به ڪه سانى غهيره ئيسپيرانٽيسٽ، له پال ٺه و ٺاڻيداي ڪه له ناوه ڀوڪه ڪه يدايه، زياتر به ها ڪرداريه ڪان نيشان بدريت و جهختيان له سهر بڪريت وهكوو ڀولي تايبهت و گرينگي له

ٺاڻا زمانى ئيسپيرانٽو زمانىكى بى ڪولتور و ميڙووه؟ ٺاڻا ئيسپيرانٽو شڪستي هيٺاوه يان به پيچه وانه سهركهوتوو بووه؟ ليقي شياوڦوڙى له روانگه خويه وه له وتاريڪدا بير له وه دهڪاته وه ڪومه لگه ئيسپيرانٽو دهتوانيت چى بڪات بڙ ٺه وهڙي له گهل جيهانى ئيسٽادا خو بگونجيتن؟

تا رادهيه ڪى ديارىڪراو ئيسپيرانٽو سهركهوتوو بووه. به لام ٺاڻينه زمانى دووهه مى هه مه لايه نه هه موو مروڻيڪ بهو شيوهى خهون و خه يالى زامنهوڦ بوو. زورينهى خه لڪى جيهان به هيچ شيوهيه ڪ گرينگي به ڪيشهى زمان نادن. بڙ ٺهوان ته نيا زمانى دايڪيان به سه. ئيسپيرانٽو له ژير گوشارى زمانه به هيزه ڪاندا وه ڪ زمانى ڪه مينه و خولياى چهند ڪه سيڪ دهمنيته وه. به لام وه ڪ ٺامراڙيڪي پيوه نديڪردن له پيوه نديبييه نافه رميه ڪاندا بڙ سه ردهمىڪي ميڙوويى دريڙخايه ن له داهاتودا ڀوليڪي جينه گره وه

پېوهنديه نيوته وهبييه كاندا، پاراستني فره زماني و فره كولتوري، پيداني تواناي پيوهنديكرن خهلكي ناسايي له گهل خهلكي ولاتاني ديكه و لابردي به ربه ستي زمانه نه ته وهبييه كان.

به پني راستي بانگه شه بكريت. له چاو زمانه نه ته وهبييه كان زماني ئيسپيرانتو به راستي ساده و ناسانه بو فيربوون. به لام هه نديك ئيسپيرانتو زان له م بابه ته دا زیده پوي دهكهن. چه زيان له وهيه بلين تولىستوي له ۲ كاتزميردا فيري زماني ئيسپيرانتو بووه، و هه نديكيش ته نيا له ماوهي ۷

پوژدا. ئەم نمونانه بو خهلكي ناسايي بي واتان، چونكه زوربه فيرخواني ئيسپيرانتو ته نانه له ۷۰ پوژيشدا فيري زمانه كه نابن! ئەگەر ئيسپيرانتو زانه كان له م جوړه بانگه شه كرده دا به رده وام بن، خهلك گومانيان له راستگويي ئيسپيرانتيسه كان دهبيت و ئەو فيرخوازه سهره تاييانه كي له ماوهيه كي كه مدا فيري ئيسپيرانتو نابن، گومان له تواناي فيربووني خويان دهكهن و به هوئي خه موكييه وه واز له فيربوون دين.

به كرده وه بانگه شه بكريت بو ئيسپيرانتو، نهك هه به زار. ئيسپيرانتو زانه كان خويان دهبيت پيداگر بن له به كارهيثاني ئەم زمانه بو ئەوهي رولي زمانه كه له پيوهندييه نيوته ته وهبييه كاندا نيشان بدن. كه سانتيك هه ن كاتيكي ئيسپيرانتو به نامرازيكي كاريگر دهبين بو پيوهنديكرن له گهل خهلكي نه ته وه يان ولاتاني ديكه، دهبنه هوگري و هه ولده دن ئەم زمانه تاقى بكه نه وه.

بيگومان بانگه شه كردن بو ئيسپيرانتو پيوسته. بانگه شه دهرهت بو مروقه كان دهره خستيت ئيسپيرانتو بناسن و ببه هوگري ئەم زمانه. به لام ئەگەر كه سيك چهزي لي نيه، چيدي باسي مهكهن. پهيتا پهيتا قسهي لي مهكهن چونكه خهلك له قسه كردني بيوچان و زور ريكلام كردن بيزارن ئەمهش زورجار له لايه ن كه ساني ئاييني نيازپاك و زور تامه زرووه روو ده دات. به بونهي كه مته رخمى و پاريز كردني ديتران بيهيوا مه بن. هيچ شتيك له جيهاندا نيه كه جيگهي ره زامه ندي هه مووان بيت. كاريگره ترين بانگه شه، فيربوون و به كارهيثاني ئيسپيرانتويه. رهنگه به بينيني ئەوهي كه ئيسپيرانتو به سووده، ئەوانه ي وا به شارواه چه زيان له فيربوونيه تي، خويان فير بكه ن. به كرده وه نهك به زار له سه ر ئەوانى تر كاريگره ي دابنين. زور جار به كه ساني باوه ردار راده سپيردريت: ته نيا ريكلام بو ئەوه مهكهن كه ئايين ئاشتيخوازه، به لكوو ئاشتيخوازه هه لسوكه وت بكه ن. له به كارهيثاني ئيسپيرانتو، ئيسپيرانتو زانه كان زورتر



گرينگي به كاريگره ي كرداري ئەم زمانه بدن، و قازانجي زماني ئيسپيرانتو له پيوهندييه نيوده وله تيه كاندا پيشان بدن. ئايديالي تاييه تي زماني ئيسپيرانتو پيكه وه گريداني هه ستيارانه ي ئيسپيرانتيسه كانه كه پيوهندي نيواني نزيك تر دهكاته وه چ هاوولاتي بن چ له ولاتاني جياوازه وه بن. به لام زورينه ي ئيسپيرانتيسه كان پيوهندييه ناوخوييه كانيان پي باشته ره له پيوهندييه نيوته ته وهبييه كان، و هه نديكيش ته نانه ت ته نيا پيوهندي به ئيسپيرانتيسه كانى ولاتي خويانه وه دهگرن و هيچ

كات ئيسپيرانتو بو پيوهندي نيوته ته وهبي به كار ناهين له بهر ئەوهي پيوهندي ناوخويي ناسانتر و هه رزانتره.

ئهمرۆكه ئينته رنيت به شيويه كي به رفراوان به كار دهه يتريت، و تيجووي پيوهنديكرن له ريگهي توري ئينته رنيت وه نزيكه له سفر، له كاتيكا كه زوربه ي ئيسپيرانتيسه كان هه رته نيا له گهل هاوولاتي خويان پيوهندي دهگرن. له فيربووني ئەم زمانه بو تيگه يشتن له خهلكي ولاتاني تر كه لك وهرناگرن، چاو له كومه لگهي ولاتاني ديكه ناكهن، فيري زانست و ته كنولوزي ي پيشكه وتو نابن، هه ست به چه مكه موديرنه كان ناكهن، به لام ته نيا پيوهندي به هاوولاتيه هاوبيره كانى خويانه وه دهكهن، ته نيا ئەو به ره مه ئەدده بييه ئيسپيرانتوييانه دهخوينه وه كه له زمانه نه ته وهبييه كانى خويانه وه وهرگيردراونه ته وه، ته نيا لاپه رهي ئەو هه والانه هه لده دنه وه له ناو ولاته كانى خويانه وه وهرگيردراونه ته سه ر زماني ئيسپيرانتو. ئەمه چالاكيه كي كومه لايه تي بي كاريگره، ئەگەر سه رنجى ئامانجي سه ره تايي ئيسپيرانتو بده ين، زمانى يارمه تيدهرى نيوته ته وهبي، ئەوا له چاو ئەو كات و وزه ي كه بو فيربووني ته رخان دهكرت به فيرودانيكي بيسووده.

ئيسپيرانتيسه كان دهبيت له ههنگاه نيوته ته وهبييه كاندا چالاك بن، به ته ووي سوود له و زمانه وهربگرن كه فيري بوون و پيوسته به شيويه كي به رفراوان له ريگهي ئيسپيرانتو وه له گهل خهلكي ولاتاني جوړبه جوړ پيوهندي بگرن. ئەمهش به ها و نرخی زمانه كه به رز دهكاته وه. له كوتاييدا پيوسته ئيسپيرانتيسه كان له و بازنه داخواه ي خويان بينه دهره وه و دهرگا بو ئەوانه ي وا ئيسپيرانتو زان نين ئاوه لا بكه ن و چالاكانه تيكه ل به كومه لگهي دهره وه بن. ئيسپيرانتيسه كان دهبيت يارمه تي خهلك و ريخراوه كانى ديكه بدن بو ئەوهي به ربه ستي زماني و سنووري گورپانكاريه نيوته ته وهبييه كان له بواره جياوازه كاندا تيه پين.

ئيسپيرانتيسه كان هه موو كات تامه زرووي بانگه شه كردن بو زمانه كه ن، به لام كاتيكي له پيوهندي نيوته ته وهبيدا به م

زمانه ددوین که ئەمەش دەرڤه‌تیکی باشه بۆ نیشاناندانی سوودی زمانی ئیسپیرانتو، کهم و زۆره‌رگیز کۆمه‌لگه‌ی دهره‌وه بۆ کۆبوونه‌وه‌کانیان بانگه‌یشت ناکه‌ن و خو‌شیان به‌که‌سایه‌تیکی ئیسپیرانتوییه‌وه زۆر به‌که‌می به‌شداری کۆبوونه‌وه غه‌یره‌ئیسپیرانتوییه‌کان ده‌که‌ن. پینده‌چیت ئیسپیرانتیسته‌کان گروویکی داخراوی ئایدیالیستن که‌ته‌نیا ده‌یان‌ه‌ویت سه‌رقال و که‌یفخۆش بن.

کۆنگره‌ی جیهانی ئیسپیرانتو که‌هاوینی هه‌موو سالیک له‌ولاته‌ جیاوازه‌کاندا به‌رپوه‌ ده‌چیت، رووداویکی گرنگی کۆمه‌لگه‌ی نیونه‌ته‌وه‌یی ئیسپیرانتویه. هه‌زاران ئیسپیرانتیست له‌هه‌موو ولاتانی جیهانه‌وه‌ کۆده‌بنه‌وه و بۆ ماوه‌ی چه‌وتووێک چێژ له‌ پیکه‌وه‌ بوون و هه‌رده‌گرن له‌ کاتیکدا که‌ به‌هه‌مان زمان ددوین و کۆبوونه‌وه و کۆنفرانسی ئەکادیمی جو‌ربه‌جو‌ر ریکده‌خه‌ن. ئیسپیرانتوزانه‌کان له‌ که‌شوه‌وایه‌کی له‌م جو‌ره‌ سه‌رخۆش ده‌بن و شانازی به‌و راستییه‌ ده‌که‌ن که‌ کۆنگره‌که‌ ته‌نیا کۆنفرانسی نیونه‌ته‌وه‌یییه له‌هه‌موو جیهاندا که‌ وه‌رگیزی نییه. به‌لام ئەوان هه‌چ کات بیر له‌وه‌ ناکه‌نه‌وه غه‌یره‌ئیسپیرانتیسته‌کان بۆ ئەم جو‌ره‌ کۆبوونه‌وانه‌ بانگه‌یشت بکری‌ن بۆ ئەوه‌ی تیندا به‌شدار بن و ئەمەش ئەو دەرڤه‌ته‌ له‌ کيس دهدات که‌ که‌سانی ئاسایی رۆلی سحرایی ئەم زمانه‌ ئەزموون بکه‌ن.

ئیسپیرانتیسته‌کان له‌ رووی چه‌ز و سه‌رقالی جو‌ربه‌جو‌ره‌وه به‌ سه‌ر پيشه‌ جیاوازه‌کاندا بلاون. ئەوان به‌ پێی چه‌ز و خولای خویان ریکخراوه‌ی جو‌راو‌جو‌ریان بۆ ریکخستنی چالاکییه‌کان دامه‌زراندوه. ئیستا که‌ زیاتر له‌ ٦٠ ئەنجومه‌نی نیونه‌ته‌وه‌یی ئیسپیرانتو هه‌ن که‌ هاوکاری ئەنجومه‌نه جیهانییه‌ ئیسپیرانتوییه‌کان ده‌که‌ن. به‌لام ئەوان بیران له‌وه‌ نه‌کردوه‌ته‌وه که‌ ئەندامانی غه‌یره‌ئیسپیرانتیست وه‌ربگرن. ئیسپیرانتیسته‌کان ده‌بیت سه‌رنج ب‌خه‌نه سه‌ر جه‌ماوه‌ریکی گه‌وره. هه‌ر ته‌نیا ئیسپیرانتیسته‌کان سوود له‌ ئیسپیرانتو وه‌رنه‌گرن به‌لکوو که‌سانی تریش له‌م سوودوه‌رگرتنه به‌شدار بکه‌ن. هاوکات ئەمه‌ واته‌ بانگه‌شه‌کردن بۆ جه‌ماوه‌ر و کۆمه‌لگه‌، ریکه‌یه‌کی کاریگه‌ره.

ده‌کریت ناوه‌رۆکی غه‌یره‌ئیسپیرانتوی به‌ چالاکییه ئیسپیرانتوییه نیونه‌ته‌وه‌یییه‌کان زیاد بکری‌ت وه‌کوو کۆنگره‌ی جیهانی ئیسپیرانتو که‌ تیندا غه‌یره‌ئیسپیرانتیسته‌کانیش وه‌رده‌گیری‌ن و زمانی ئیسپیرانتویان بۆ وه‌رده‌گیردیه‌وه. ئەمه‌ بۆ ئەوانه‌ وا به‌ زمانی دایکیان ددوین ئەو دەرڤه‌ته دهره‌خسینیت که‌ له‌گه‌ل خه‌لکی تر به‌ بیرو پا و کولتوری جیاوازه‌وه‌ پێوه‌ندی بگرن. له‌هه‌مان کاتدا به‌های ئیسپیرانتو نیشانی کۆمه‌لگه‌ دهدات و کاریگه‌ری ئیسپیرانتو فراوانتر ده‌کات.

ئەنجومه‌نه‌ پ‌سپۆرییه‌کانی ئیسپیرانتو ده‌توانن گری‌ بدرین به‌ ئەنجومه‌نه‌ پ‌سپۆرییه‌ نیونه‌ته‌وه‌یییه‌کانی دیکه‌وه و ئەندامانی ئەنجومه‌نه‌ ئیسپیرانتوییه‌ پ‌سپۆرییه‌کان ده‌توانن به‌ که‌سایه‌تی ئیسپیرانتوییه‌وه‌ گری‌ بدرین به‌ ئەنجومه‌نه‌ پ‌سپۆرییه‌ خو‌جیی یان نیشتمانیه‌کانه‌وه. له‌و ئەنجومه‌نه غه‌یره‌ئیسپیرانتوییه‌دا، ئیسپیرانتیسته‌کان ده‌توانن به‌

هه‌مان تامه‌زرووییه‌وه‌ یارمه‌تی ئەنجومه‌نه‌کان بده‌ن له‌ ریکه‌ی ئیسپیرانتووه‌ پێوه‌ندی به‌ ئەنجومه‌نی ولاتانی دیکه‌وه‌ بکه‌ن. به‌ ریکخستنی کۆبوونه‌وه‌ ئیسپیرانتوییه‌کان که‌ تیندا ئیسپیرانتیستی ولاتانی دیکه‌ به‌شدارن، ئەنجومه‌ن و یانه‌ ئیسپیرانتوییه‌کان ده‌توانن له‌ تو‌ره‌ خو‌جیییه‌کان یان میدیاکان بانگه‌شه‌ی بۆ بکه‌ن بۆ ئەوه‌ی سه‌رنجی که‌سانی ئاسایی خو‌جیی که‌ ناتوانن به‌ زمانی بیانی بدوین، رابکیشن و به‌خیرهاتیان بکه‌ن بۆ ئەوه‌ی بتوانن پێوه‌ندی به‌ میوانه‌ بیانییه‌کان به‌ کولتوری جیاوازه‌وه‌ بگرن.

ئیسپیرانتیسته‌کان له‌ کاتی سه‌ردانکردنی ولاتانی دیکه‌ نابیت ته‌نیا پێوه‌ندی به‌ ئیسپیرانتوزانه‌ خو‌جیییه‌کانه‌وه‌ بکه‌ن به‌لکوو ده‌توانن له‌ ریکه‌ی باب‌ته‌ سه‌رنج‌راکیشه‌کانه‌وه‌ له‌گه‌ل ئەنجومه‌نه‌ ئیسپیرانتووییه‌کانیش پێوه‌ندیان بیت له‌ کاتیکدا که‌ ئاخپوه‌رانی ئیسپیرانتو ده‌توانن له‌ ریکه‌ی وه‌رگیران خزمه‌ت بکه‌ن بۆ ئەوه‌ی کۆمه‌لگا هه‌ست به‌ سوود و قازانجی ئیسپیرانتو بکات.

به‌ کردنه‌وه‌ی کۆری ئیسپیرانتو، به‌ دلناییه‌وه‌ ئیسپیرانتیسته‌کان شیوازی جیاوازه‌ده‌و‌زنه‌وه‌ بۆ ئەوه‌ی سه‌رنجی خه‌لک بۆ لای ئیسپیرانتو زیاتر رابکیشنیه‌تی، به‌ جو‌ریک که‌ ئیسپیرانتو به‌ شیوه‌یه‌کی کاریگه‌ر بتوانیت له‌ جیهانی ئەم‌رو‌دا رۆل بگیزی‌ت. زمان پرده‌ و له‌وه‌ زیاتریش ئیسپیرانتو پردی هاو‌پێیه‌تی و پێوه‌ندیگرتنه. ئەخشی ئەم پرده‌ له‌ لایه‌ن دوکتۆر زامی‌هۆفه‌وه‌ دارپژراوه‌ و بۆ ماوه‌ی ١٠٠ ساله‌ به‌ هاوکاری ئیسپیرانتیسته‌کانی سه‌رانسه‌ری جیهان ساز کراوه‌ و ده‌پاریزی‌ت.

به‌لام ده‌شی له‌ سه‌ر ئەم پرده‌ نه‌ ته‌نیا ئاخپوه‌رانی ئیسپیرانتو به‌لکوو که‌سانی دیکه‌ش، زۆربه‌ی مرۆقه‌کان تیپه‌ر بن. ده‌بیت ئیسپیرانتیسته‌کان یارمه‌تی مرۆقه‌کان بده‌ن تاکوو دیواری زمان تیپه‌ری‌ن بۆ ئەوه‌ی بتوانن برۆن و جیهانیکی به‌ربلاوتر ببینن.

- ئیسپیرانتیست: به‌و که‌سه‌ ده‌گوتریت که‌ فیری زمانی ئیسپیرانتو ده‌بیت و ئایدیالی ئیسپیرانتو قه‌بوول ده‌کات.

Liu Xiaozhe (Solis)

ئیسپیرانتیستی ناسراوی چینی لیو شیواژی (سویس) له‌ وتاریکی تیروته‌سه‌لی ئیسپیرانتو، میژوو و کولتور، شکست و ده‌ستکوت، واقع و داهاوو بۆچوونه‌کانی خو‌ی به‌ شیوه‌یه‌کی گشتگیر خسته‌ روو. ئەم ده‌قه دهره‌نجامه‌، به‌شی کوتایی وتاره‌که‌یه.



سه‌رچاوه‌:

<https://www.liberafolio.org/2025/07/08/cu-esperanto-fiaskis-au-sukcesis/>

السَّجَادُ الْفَارِسِيُّ الْعَتِيقُ: نَسِجٌ أَمْ زِرَاعَةٌ؟

له شهرانٌ و هو مُنَحْنٌ، يُضَلِّحُ زَاوِيَةً مُهْتَرِنَةً لَا تَتَجَاوَزُ مَسَاحَتَهَا نِصْفَ مِثْرٍ
من سَجَادَةٍ فَارِسِيَّةٍ عَتِيقَةٍ.

عندما اقْتَرَبْتُ، اِكْتَشَفْتُ - من دون أن أتبَادَلَ الحديث معه - أن الرَّجُلَ
يَظُنُّ أَنَّهُ يَعْمَلُ نَسَاجًا؛ في حين أَنَّهُ كَانَ، من حيث لا يدري، مُزَارِعًا.
كَانَ يَغْرِسُ - بِصَبْرِ وَ تَوَدَّةٍ لَا يُطْبِقُهُمَا إِلَّا الْفَلَّاحُونَ - شَتَلَاتٍ صُوفِيَّةٍ
مُتَشَابِكَةٍ شَابَةِ فِي تَرِيَةٍ من خِيوطٍ قُطْنِيَّةٍ وَاهِنَةٍ عَجُوزٍ، يَسْقِيهَا بِتَعَبٍ عَيْنٍ
و آلامٍ ظَهْرٍ وَ صَبًّا مُهْدَرٍ، وَسَطَ قَبْوٍ لَا يَرَى الشَّمْسُ، لَتَكْبَرُ أَمَامَهُ بِتَدْرِيجٍ
وَ بَطْءٍ عَلَى هَيْئَةٍ دَغْلٍ من غَزَلٍ مُتَدَاخِلٍ، فِيهِذْبُهَا بِمَنْجَلِهِ لَتَسْتَحِيلَ، مَرَّةً
أُخْرَى، إِلَى رَسْمِهَا الْقَدِيمِ.

عندما يَنْتَهِي، سَوْفَ تَعُودُ السَّجَادَةُ إِلَى الْحَيَاةِ، فَتُبْعَثُ حَدِيقَةً غَنَاءً بِأَشْجَارٍ
بَاسِقَةٍ وَ وُرُودٍ مُبْهِجَةٍ وَ طُيُورٍ مُحَلَّقَةٍ، تَجُولُ بَيْنَهَا غَيْدٌ لَاهِيَاتٌ وَ أُخَرٌ
سَاهِمَاتٌ، وَ سَتَأْخُذُ جَمِيعَ هَذِهِ الشُّخُوصِ مَوَاقِعَهَا فِي الزَّوَايَةِ الشَّمَالِيَّةِ
الشَّرْقِيَّةِ مِنَ الْأَرْضِ الْمُرْدَحِمَةِ لِهَذِهِ السَّجَادَةِ الْقَدِيمَةِ قَدَمٌ أُسْطُورَةٌ.
بِفَضْلِ أَنْامِلٍ مُزَارِعِنَا الْخَضِرَاءَ - هَذَا الَّذِي يَظُنُّ نَفْسَهُ نَسَاجًا - سَتَسْتَعِيدُ
الْحَدِيقَةُ رُوحَهَا الْمَلُونَةَ من بَعْدِ بَوَارٍ، لَتَتَحَوَّلَ إِلَى بُسْتَانٍ يَلِيقُ تَمَامًا بِلِيلَةٍ
فَارِسِيَّةٍ جَمِيلَةٍ، يَسْمُرُ فِيهَا عُمَرُ الْخِيَامِ تَحْتَ ضَوْءِ الْقَمَرِ، مَعَ صَحْبِهِ وَ
خِلَانِهِ.

وَ أَنَا أَرْقُبُ عَمَلَهُ، تَذَكَّرْتُ أَنَّ لِلْفَلَاحِينَ حَوْلَ الْعَالَمِ - عَلَى اخْتِلَافِ مِلَلِهِمْ
- صَلَوَاتٌ خَاصَّةٌ وَ قَدِيسُونَ رَاعُونَ؛ لِكُلِّ مِنَ الشَّيْخِ السُّوْنِيِّ الْحَضَرَمِيِّ
(الْمُسْلِمِ) وَ لِلْقَدِيسِ إِيْزِيدُورِ (الْمَسِيحِيِّ) شَهْرَةٌ خَاصَّةٌ فِي أَوْسَاطِهِمْ.
يَبْدُو أَنَّ كَرَامَاتِ هَذَيْنِ الْوَلِيِّينَ الصَّالِحِينَ تَتَعَدَّى زُرُوعَاتِ الْحَقُولِ؛ هَا هِيَ
تُبَارِكُ غِرَاسَ السَّجَادِ الْعَتِيقِ، أَيْضًا.



La antikva persa tapiŝo: Ĉu teksado aŭ terkultivado?

Li estis klinita dum du monatoj, riparante eluzitan angulon ne pli grandan ol duonmetron en antikva persa tapiŝo.

Kiam mi alproksimiĝis, mi malkovris - sen interŝanĝi vortojn kun li - ke la viro kredis sin teksisto; tamen, sen scii, li estis terkultivisto.

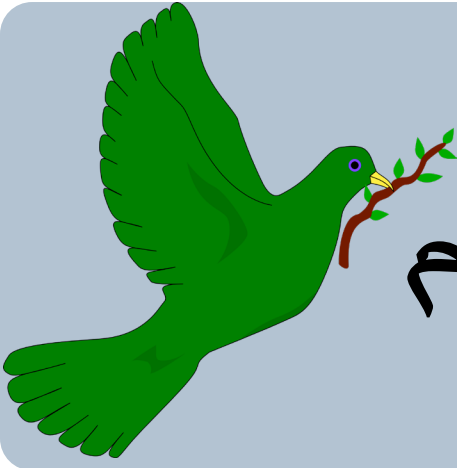
Li plantis - kun pacienco kaj trankvilo eltenebla nur de kamparanoj - junajn, interplektitajn lanajn ŝosojn en grundo el malfortaj, maljunaj kotonaj fadenoj, akvante ilin per laca rigardo, dorsdoloro kaj perdita juneco, en kelo sen sunlumo, por ke ili kresku antaŭ li malrapide kaj grade en formo de densa teksita arbaro, kiun li pritondis per sia falĉilo por ke ĝi retransformiĝu en sian malnovan desegnon.

Kiam li finos, la tapiŝo reviviĝos, renaskiĝos kiel ĝardeno plena je altaj arboj, ĝojigaj floroj kaj flugantaj birdoj, inter kiuj promenas gajaj kaj pensoplenaj junulinoj, ĉiuj prenante siajn lokojn en la nordorienta angulo de la dense loĝata tero de tiu antikva tapiŝo, malnova kiel legendo.

Danke al la verdaj fingroj de nia terkultivisto - tiu, kiu kredas sin teksisto - la ĝardeno retrovos sian kolorplenan spiriton post senfrukteco, transformiĝante en ĝardenon taŭgan por bela persa nokto, kie Omar Khayyam rakontas rakontojn sub la lunlumo kun siaj amikoj kaj kunuloj.

Dum mi observis lian laboron, mi rememoris ke kamparanoj tra la mondo - malgraŭ siaj diversaj kredoj - havas apartajn preĝojn kaj sanktulojn; kaj la ŝejko Suwini el Hadramaut (islamano) kaj Sankta Isidoro (kristano) estas speciale honorataj inter ili.

Ŝajnas ke la benoj de tiuj du virtaj sanktuloj superas la kampajn rikoltojn; jen ili benas ankaŭ la plantadon de la antikva tapiŝo.



الإسبرانتو والسلام

الذكاء الاصطناعي (DeepSeek) وكيهان صيادپور

في يونيو ٢٠٢٥، اندلعت الحرب بين إيران وفلسطين المحتلة، وهما دولتان تضمان أقوى الحركات الإسبرانتو في المنطقة. تتشابه العلاقة بين الإسبرانتو والسلام بشكل وثيق مع أصول اللغة وفلسفتها ومثل مُبتكرها، ل. ل. زامنهوف. إليكم شرحاً لهذه الصلة:

١. رؤية زامنهوف: السلام من خلال التواصل

- الفكرة التأسيسية: شهد زامنهوف، وهو طبيب عيون يهودي من بياليستوك متعددة اللغات (التي كانت آنذاك جزءاً من الإمبراطورية الروسية)، انقسامات لغوية وعرقية تُؤجج الصراعات. كان يؤمن بأن لغة ثانية محايدة وسهلة التعلم* يمكنها سد الفجوات، وتقليل سوء الفهم، وتعزيز الاحترام المتبادل.

- «الفكرة الداخلية»: لم تكن الإسبرانتو مجرد مشروع لغوي، بل كانت «حركة إنسانية». كان هدفها تجاوز القومية من خلال منح الناس هوية لغوية مشتركة دون محو ثقافتاتهم الأصلية.

٢. الحياد والمساواة

- عدم الهيمنة الثقافية: على عكس اللغات الاستعمارية (مثل الإنجليزية والفرنسية)، لا تنتمي الإسبرانتو إلى أي أمة، مما يُجنب اختلال توازن القوى. ويهدف هذا الحياد إلى تعزيز** الحوار المتكافئ.

- سهولة الوصول: صُممت الإسبرانتو لتكون بسيطة، فهي تُخفف من عبء التعلم مقارنةً باللغات الوطنية، مما يجعل التواصل بين الثقافات أكثر ديمقراطية.

٣. الإسبرانتو كحركة سلام

- الرمزية المبكرة: سُميت أول مجلة إسبرانتو «لا إسبرانتيسستو» (الإسبرانتية)، وكان شعارها «من أجل الإنسانية والسلام».

- قرارات المؤتمرات العالمية: كثيراً ما أقرت مؤتمرات الإسبرانتو العالمية المبكرة (التي بدأت عام ١٩٠٥) قرارات تدعو إلى التحكيم الدولي ونزع السلاح.

- النشاط: خلال الحربين العالميتين الأولى والثانية، كان الإسبرانتو يتبادلون الرسائل عبر خطوط العدو، معززين بذلك التضامن. رُشّح زامنهوف نفسه لجائزة نوبل للسلام ١٤ مرة.

٤. منظمات تربط الإسبرانتو بالسلام

- الجمعية العالمية للإسبرانتو (UEA): تعزز «السلام والتفاهم الدائم

بين الشعوب».

- منظمة القلم الدولية (قسم الإسبرانتو): تدافع عن الحقوق اللغوية كسبيل للسلام.

- العمل الإسبرانتي السلمي: جماعة تربط الإسبرانتو صراحةً بالنشاط المناهض للحرب.

٥. الأهمية المعاصرة

- الدبلوماسية الشعبية: تُمكن الإسبرانتو من التواصل المباشر بين الأشخاص عبر الحدود (على سبيل المثال، عبر Pasporta Servo، وهي شبكة مجانية للإقامة المنزلية)

- نقد الإمبريالية اللغوية: يُروّج للعدالة اللغوية، مُجادلاً بأن هيمنة اللغات «الكبيرة» تُهمّش مُتحدثي اللغات الأصغر، مُوجّبةً عدم المساواة

- رمز الأمل: يُمثل الإسبرانتو، بالنسبة للكثيرين، إمكانية** نظام عالمي أكثر شمولاً وتعاوناً.

الانتقادات والحقائق

- محدودية الانتشار: لم تُحقق الإسبرانتو انتشاراً واسعاً، لذا يبقى تأثيرها المباشر على السلام العالمي مُتواضعاً.

- اليوتوبيا: يُجادل المنتقدون بأن الحواجز اللغوية تُعدّ أحد أسباب الصراعات العديدة (مثل الموارد والأيديولوجيا)، وأن لغةً عالميةً وحدها لا تُحقق السلام.

- أداة عملية: على الرغم من أنها لا تُنهي الحروب، إلا أن الإسبرانتو تُمثل مختبراً حياً للحوار بين الثقافات وبناء المجتمعات بين مُتحدثيها الذين يُقارب عددهم مليوني شخص.

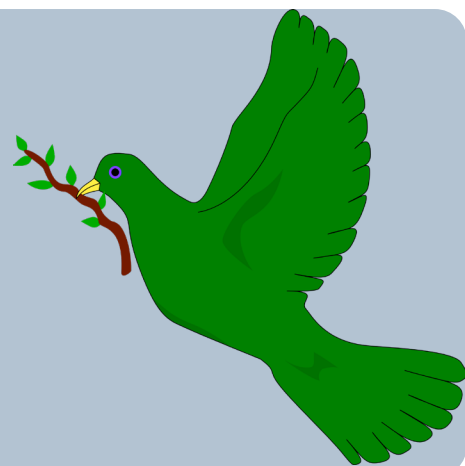
في جوهرها

الإسبرانتو تجسيد لغوي لمبدأ «السلام يبدأ بالتفاهم». فهي تجسّد الاعتقاد بأن إزالة حواجز التواصل يُمكن أن يُقلّل من التحيز، ويُعزّز التعاطف، ويُرسّي أسساً للتعاون العالمي. ورغم أنها ليست حلاً سحرياً، إلا أنها تظل رمزاً قوياً وأداة عملية للملتزمين بالسلام من خلال الاحترام المتبادل.

كما كتب زامنهوف:

«لا يُمكن لأحد أن يحكم شعباً ضد إرادته من خلال الإسبرانتو، بل بإرادته فقط».

Esperanto kaj paco



Artefarita inteligento (Deepseek) kaj Keyhan Sayadpour

En junio 2025, milito okazis inter Irano kaj okupita Palestino, du landoj kun la plej potencaj esperanto-movadoj en la regiono.

La rilato inter Esperanto kaj paco estas profunde interplektita kun la originoj, filozofio kaj idealoj de la lingvo, kaj la idealoj de ĝia kreinto, L. L. Zamenhof. Jen resumo de ilia ligo:

1. La Vizio de Zamenhof: Paco per Komunikado

- **Fundamenta Ideo:** Zamenhof, juda okulisto el plurlingva Bjalistoko (tiam parto de la Rusia Imperio), atestis lingvajn kaj etnajn dividojn, kiuj instigis konfliktojn. Li kredis, ke neŭtrala, facile lernebla dua lingvo povus transponti disiĝojn, redukti miskomprenojn kaj kreskigi reciprokan respekton.

- **«Interna Ideo»:** Esperanto ne estis nur lingva projekto, sed humanitara movado. Ĝia celo estis transcendi naciismon donante al homoj komunan lingvan identecon sen forviŝi iliajn denaskajn kulturojn.

2. Neŭtraleco kaj Egaleco

- **Neniu Kultura Domineco:** Male al koloniaj lingvoj (ekz., la angla, la franca), Esperanto apartenas al neniu nacio, evitante potencajn malekvilibrojn. Ĉi tiu neŭtraleco celas antaŭenigi “egalan dialogon”.

- **Alirebleco:** Kreita por simpleco, Esperanto reduktas la lernan ŝarĝon kompare kun naciaj lingvoj, igante interkulturan komunikadon pli demokratia.

3. Esperanto kiel Pacmovado

- **Frua Simbolismo:** La unua esperanta revuo nomiĝis «La Esperantisto», kaj ĝia moto estis «Por la homaro kaj paco».

- **Rezolucioj de la Monda Kongreso:** Fruaj Universalaj Kongresoj de Esperanto (komencantaj en 1905) ofte aprobis rezoluciojn pledantajn por internacia arbitracio kaj malarmado.

- **Aktivismo:** Dum la Unua kaj Dua Mondmilitoj, esperantistoj ofte korespondis trans malamikaj linioj, antaŭenigante solidarecon. Zamenhof mem estis nomumita por la Nobel-premio pri paco 14 fojojn.

4. Organizoj Ligantaj Esperanton kaj Pacon

- **Universala Esperanto-Asocio (UEA):** Antaŭenigas «pacon kaj daŭran komprenon inter la popoloj». - **PEN Internacia (Esperanta Divizio):** Pledas por lingvaj rajtoj kiel vojo al paco.

- **Pacisma Esperantista Laboro:** Grupo eksplicite ligas Esperanton al kontraŭmilita aktivismo.

5. Moderna Rilateco

- **Baznivela Diplomatio:** Esperanto ebligas rektan interpersonan komunikadon trans limoj (ekz., per Pasporta Servo, senpaga reto por hejmlogado).

- **Kritiko de Lingva Imperiismo:** Antaŭenigas lingvan justecon, argumentante, ke la regado de «grandaj» lingvoj marĝenigas parolantojn de pli malgrandaj, instigante malegalecon.

- **Simbolo de Espero:** Por multaj, Esperanto reprezentas la eblecon de pli inkluziva, kunlabora monda ordo.

Kritikoj kaj Realecoj

- **Limigita Atingo:** Esperanto ne atingis amasan adopton, do ĝia rekta efiko al tutmonda paco restas modesta.

- **Utopismo:** Kritikistoj argumentas, ke lingvaj baroj estas unu el multaj konfliktokaŭzoj (ekz., rimedoj, ideologio), kaj universala lingvo sole ne povas certigi pacon.

- **Praktika Ilo:** Kvankam ne finas militojn, Esperanto funkcias kiel vivanta laboratorio por interkultura dialogo kaj komunumkonstruado inter siaj ĉirkaŭ 2-4 milionoj da parolantoj.

Resumo

Esperanto estas lingva enkorpiĝo de la idealo, ke «paco komenciĝas per kompreno.» Ĝi reprezentas la kredon, ke forigi komunikadajn barojn povas redukti antaŭjuĝon, kreskigi empatian kaj krei fundamenton por tutmonda kunlaboro. Kvankam ne panaceo, ĝi restas potenca simbolo kaj praktika ilo por tiuj, kiuj sin dediĉas al paco per reciproka respekto.

Kiel Zamenhof skribis:

«Oni ne povas regi popolon kontraŭ ĝia volo per Esperanto, sed nur kun ĝia volo.»



UK.ESPERANTO.NET

GRAZ, AŬSTRIO
1-8 DE AŬGUSTO 2026

111-A UNIVERSALA KONGRESO DE ESPERANTO



© Graz Tourismus Werner Krug